

جهان در پشتیبانی از فدائیان در بند

مورد دستگیریهای گسترده سال پیش، اکنون یکی از نشانهای مهم تبلیغاتی ما در خارج از کشور به شمار می رود.

ما در شماره های آینده، فعالیت های فدائیان را در سرتاسر جهان در افشاکاری علیه رژیم خمینی در هفته های اخیر، با تفصیل انتشار خواهیم داد. نمونه ای از این فعالیتها، که جهان را به پشتیبانی از فدائیان در بند و همه انقلابیون اسیر در زندانهای خمینی فرامی خواند، فعالیت رفقای ما در یونان است.

هواداران سازمان در یونان در هفته های اخیر به افشاکاری علیه جنایت تازه رژیم خمینی در دستگیری ۱۰۰۰ فدایی، دست زدند. احزاب مختلف یونان و در پیشاپیش همه کمیونستها و نیروهای دمکرات به فوریت از فراخوان سازمان و تلاش رفقای ما در یونان استقبال کردند و به شکلهای مختلف در پیکار محکوم ساختن رژیم خمینی و توطئه این رژیم علیه فدائیان، شرکت جستند.

حزب کمونیست یونان، سازمان جوانان کمونیست یونان، کنفدراسیون کارگران یونان، حزب سوسیالیست متحد یونان، حزب کشاورزان یونان و حزب جنبش دمکرات مسیحی در هفته پیش از جمله با مخابره تلگرامهایی به سازمان ملل متحد و سفارت جمهوری اسلامی در آتن، یورش متمرکز رژیم خمینی علیه سازمان ما را محکوم ساخته و از فدائیان در بند و مجموعه انقلابیون زندانی، پشتیبانی بعمل آوردند.

مبارزه در راه نجات جان زندانیان سیاسی ایران و افشاکاری علیه رژیم جنایتکار خمینی را تشدید کنیم! فدائیان در سراسر جهان بدین ندا پاسخ گفته اند و همچنان که تا کنون صفحات شماره های مختلف نشریه ما نشان می دهد، در بسیج افکار عمومی جهانیان هم شایسته ای ایفا کرده اند.

اکنون علاوه بر وظایف عام و همیشگی در دفاع از جان فدائیان در بند و همه انقلابیون اسیر، مقابله با یورش متمرکز رژیم خمینی علیه سازمان و وظایف فوق العاده ای پر دوش مانده است. افشاکاری در



دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۶ - برابر ۶ آوریل ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۵۱

آتش مبارزه را

شعله ورتو کنیم!



۱۰۰ نفر از رفقای ما در یورش اخیر خمینی دستگیر شده اند. این، انتقام کشی خمینی از همه نیروهای انقلابی است. بنگرید که "جرایم" آنها را چه عنوان کرده اند: فعالیت در کارخانه ها، در ارتش و ادارات، داشتن شی براندازی جمهوری اسلامی، فعالیت در کردستان، تایید و تشویق فعالیت های انقلابی همه نیروها، داشتن امکانات مختلف برای پیشبرد مبارزه در راه سرنگونی جمهوری اسلامی (مطبوعات ج ۱). دفاع از جان نیروهای دستگیر شده، مقدم بر هر چیز دفاع از این "جرایم" است. آری، ما در تعین پیوندهای خود با کارگران و زحمتکشان یک لحظه نیز از پا نمی نشینیم، ما می گوئیم عرصه فعالیتمان همه جا و از جمله نیروهای یقیه در صفحه ۲

در هفته گذشته رفقای ما در کشورهای مختلف جهان - از جمله در دانمارک، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، یونان، آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و آمریکا - حرکت های اعتراضی گوناگونی را با تم دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران سازمان دادند. با این حرکت های اعتراضی - که می بایست ادامه یابد - جهانیان در جریان یورش متمرکز رژیم خون آشام خمینی علیه سازمان ما، قرار گرفتند. مقابله با جنایات خمینی، خاصه در زمینه بر ملا کردن آنچه که در زندانهای سیاسی ایران می گذرد، یکی از تم های ثابت تبلیغاتی ما در خارج از کشور است. ما در این پیکار جهانی صرفاً بر مبنای انگیزه های ویژه سازمانی خود، خاصه پس از یورش اخیر رژیم، حرکت نمی کنیم و همانگونه که بازتاب فعالیت های رفقای ما در سرتاسر کیتی در نشریه "اکتریت" نشان می دهد، خود عمیقاً بر این نظر پایبندیم که مقوله "زندانی سیاسی" مفهومی به مراتب فراتر از نیروهای اسیر شده این یا آن سازمان انقلابی است.

دمکراسی، انتقاد و علنیت

در سوسیالیسم

در صفحه ۱۲

خروش صلح

در خیابانهای مدرس - هندوستان



در روز ۱۰ اسفند ماه مردم مدرس هندوستان، در خیابانهای مرکزی این شهر شامد راهپیمایی پیش از پانصد کارگر و روشنفکر انقلابی هندی و ایرانی مترقی بودند. در این راهپیمایی که به صورت فدائیان خلق صورت گرفت، نمایندگان ده حزب سیاسی، سدیهای کارگری و حضور داشتند. نمایندگان احزاب و سندیکاهای با پرچم های برافراشته و بردهایی حاوی شعارهای انقلابی خیابانهای مدرس را می پیبوندند و فریاد

در این شماره

• خرم آباد از میان گزارشها و نامه ها:

تجسم ویرانگری رژیم، تجلی رزم مردم

در صفحه ۶

• خودسوزی در غربت

در صفحه ۸

• گفتگو با رئیس اتحادیه دمکراتیک زنان

برلین غربی

در صفحه ۱۲

• تشکیل حزب متحد چپ در مکزیک

در صفحه ۱۴

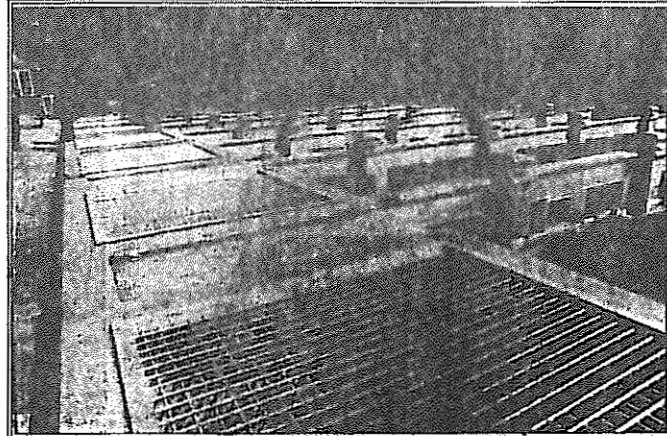
• مصادره اموال کلیسای آرتدکس در یونان

در صفحه ۱۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه اول

آتش مبارزه را شعله ورت کنیم!



اینجا اولین است. گوشه ای از اولین. ظاهراً هیچ چیزی غیر عادی نیست. اما در ذهن خود این مقفها را بشکافید و به درون سلولها بروید. تاریک و انبوه. ناله و فریاد. فاجعه و حماسه.

این دیوارها آتشها را در محاصره گرفته اند. این دیوارها بهم برآمده اند تا فریادها را خفه کنند.

اولین یکبار به دست توانای خلق فتح شد. بازم مظهر جنایات شاه و شیخ را به تصرف درمی آوریم و این بار آنچه کینه ای از همه این خون آشامان در دل داریم، که آجر را بر روی آجر بند نخواهیم کرد. سرنوشت اولین جز این نخواهد بود. پایداری انقلابیون در بند و رژیم مشترک همه ما، این سرنوشت محتوم را برای اولین رقم خواهد زد.

به پیش تازیم! برای این که رفقایمان، برادرانمان، خواهرانمان، پدران و مادرانمان، هسرانمان، فرزندانمان، و پارانمان را در آغوش بگیریم، باید این دیوارها را فرو کوبیم. و برای این که دیگر اثری از "اولین" برجها نماند، باید نظام اجتماعی جبارانه ای را درهم شکنیم که "اولین" از ملزومات آن است.

نگذاریم شنیدن خبر دستگیریهای گسترده، شنیدن خبر اعدامهای دسته جمعی و شنیدن اخبار مربوط به کشتارهای جمعی در جنگ ارتجاعی، برای جهانیان عادت شود. باید به هر خبری به مثابه یک فاجعه برخورد کرد. به دنبال هر خبری، باید موج نیرومندی از اعتراض جهانی، بجا

تشدید بگیرد نیروهای انقلابی و تمرکز فعالیتهای سرکوبگرانه بر روی سازمان ما - که از امکانات تشکیلاتی و تبلیغاتی ویژه ای برخوردار است - بیش از هر چیز نشان دهنده هراس خمینی از انفجاری است که سقف چاربان را بر سرش خراب خواهد کرد - نیروی محرکه انفجار،

جمع کلیری از رفقای ما اکنون در زندانند. زندانهای جمهوری اسلامی آنهاشته از انقلابیون در بند است. رفقای که به اسارت نهفته اند، می کوشند و فله ای در مبارزه پدید نیاورد. مرحله دیگری از یک پیکار قهرمانانه آغاز شده است؛ در زندان و در خارج از آن، ما در خارج از کشور، باید با تمام قوا به این پیکار بپردازیم.

خیزد. نیروهای انقلابی هنوز مجموعه امکانات جهانی برای افشاکاری گسترده علیه رژیم خمینی را به کار نگرفته اند. ما باید امکاناتی را که در اختیار داریم فعالانه به کار بگیریم و در همان حال در گسترش آنها و دستیابی به شیوهها و امکانات تازه تری برای بازتاب فریاد خلق تحت ستم خود، مصمم و پیگیر باشیم.

توده های کار و زحمتند. نیروهای پیشاهنگ، آگاهی خلق را تعمیق می برند و می کوشند مبارزه آنهاجهت باید و تسریع شود. خمینی می پندارد که با ضربه زدن به این نیروها قادر است جلوی ضرورت تاریخ را بگیرد و توفان ناگزیر را مهار کند. این توفان در راه است و طلایه های روشنی دارد. سرکوب و اختناق بیشتر، بیش از آنکه

انفجار را به تعویق افکند، بر شدت آن می افزاید.

بی گمان خلق، ضربه به نیروهای پیشاهنگ را به سادگی نمی تواند چبران کند.

در همین نمونه اخیر، دستگیری ۱۰۰۰ کمونیست رزمنده امر ساده ای نیست. در جامعه ای همچون جامعه همواره دیکتاتورزده ما، کارمایه اجتماعی عظیمی برای ارتقای آگاهی و عزم انقلابی یک فرد برای رسیدن در حد آگاهی و مبارزه جویی کمونیستی به کار گرفته می شود. دوره اسارت حکم وقفه ای در مبارزه انقلابی فرد اسیر شده را ندارد. مبارزه در زندان خود بخش مهمی از کارنامه مبارزاتی فردی است که در راه آرمانهای طبقه کارگر و خلق خود حاضر شده است. زندان و کلونه را به جان بخرد. همچنان که در این نکته شکی نیست، این موضوع نیز وضوح عینی دارد که برای این که دستگیریها و اعدامها هر چه قدر هم که گسترده باشند، در مبارزه انقلابی یک سازمان وقفه وارد نسازند، لازم است دیگران وظایف رفقای دستگیر شده را بر عهده بگیرند و به فداکاری و جانفشانی رفیقی که هم اکنون زیر شکنجه و یا در برابر جوخه اعدام قرار دارد، با فداکاری و جانفشانی بیشتر در راه انجام وظایف انقلابی پاسخ گویند.

سخن بر سر کیفیت است، سخن بر سر تلاش هر چه بیشتر در همه عرصه هاست. وظیفه ما تنها در بالا بردن تعداد حرکت های اعتراضی مان در سطح جهان خلاصه نمی شود. در حال حاضر همچنانکه گفتیم برای انجام این وظیفه باید نیروی زیادی اختصاص دهیم. اما در راه انجام این وظیفه نیز در حالتی موفق خواهیم شد، که وظیفه عمومی تر دست زدن به تلاش هر چه وسیعتر را، که صرفاً انگیزه آن یورش متمرکز رژیم علیه سازمان نیست، دقیقاً درک کنیم.

حتی برای داشتن یک کارنامه عادی، باید کار فوق العاده انجام داد. میهن مادر شرایطی غیر عادی به سر می برد، کارنامه مبارزاتی همه ما باید فوق العاده باشد و از اینرو نباید به کار عادی خو بگیریم. درون ما باید بجوشد، قلب ما باید غلیان کند، مغز ما باید سرشار از اندیشه باشد تا بتوانیم دستاوردهای خود را پاسخ انقلابی به وظایف لحظه تلقی کنیم.

وظیفه تنها به پر کردن جای انقلابیون اسیر و اعدام شده محدود نمی شود. برای این که انقلاب ما به فرجام برسد، باید کمیت و کیفیت نیروهای پیشاهنگ ده برابر و صد

برابر گردد. برای این که صف انقلاب را در این عرصه مستحکم سازیم، برای این که نیروهای بیشتر و بیشتری به صف پیشتاژ بگروند، باید نخست به کیفیت خود و کیفیت های کارکردهای خود بپردازیم. سلاح رزم ما شور انقلابی و آگاهی انقلابی است. اگر نیاموزیم، اگر مشعل آگاهی را فرا رها کنیم، اگر شور انقلابی، مدام به مدارج بالاتری از رزمجویی انقلابی ارتقا نیابد،

از خود انتظار داشته باشیم. آری، سخن بر سر کیفیت است، گوشزد کردن وظایفی است که اصولا بدیهی اند و دامنه انتظار از آنها فراتر می رود. به آنچه که می کنیم رضی نباشیم. ما می توانیم و باید که آتش پیکار را شعله ورتر کنیم. رضی نباشیم به آنچه که آموخته ایم. ما باید بیاموزیم، تجربه کرد آوریم، تجربه هایمان را جمع بندی کنیم، با

مبارزه پدید نیاید. مرحله دیگری از یک پیکار قهرمانانه آغاز شده است؛ در زندان و در خارج از آن. ما در خارج از کشور باید با تمام قوا به این پیکار بگرویم. در داخل، انرژی فراوانی صرف تمهیدات امنیتی می شود. محذورات مادر اینجا بالطبع با محدودیتهای امنیتی انقلابیون داخل کشور، همتراز نیست. از همین رو دستاوردهای ما باید به مراتب فراتر از آنچه چیزی باشد که اکنون می توانیم در کارنامه مبارزاتی خود بگنجانیم. اگر در داخل، ادامه کاری مبارزه، نخست در وجه امنیتی آن ظاهر می شود، در اینجا کارنامه ضرور برای ادامه کاری عمدتا می تواند و باید که صرف خودسازی، ارتقای آگاهی و بالابردن کمیت و کیفیت فعالیت های سیاسی گردد.

برای امروز به مقتضای شرایط کنونی، جهان را فرا نمی خوانیم تا به رزم توده های میهن ما بنگرد و از این مبارزه پشتیبانی کند. انقلاب آینده ایران، قطعا با زتاب جهانی وسیعی خواهد یافت و با مسائل عدیده ای که فراتر از مرزهای ملی اند، گره خواهد خورد. از این رو بسیج افکار عمومی جهانی، که یکی از عرصه های مبارزه ماست، وظیفه ایست دائمی که ما هم امروز هم فرادا، از آن شمر خواهیم گرفت.

همچنانکه تاکید شد، اکنون تشدید فعالیت برای دفاع از جان فدائیان در بند، پرستار مبارزه عمومی جهانی ما برای دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران، یک وظیفه مجرم است. این امر، یکی از مهمترین وظایف ما برای مقابله با یورش متمرکز رژیم جنایتکار خمینی علیه سازمان است. اما ما باید این وظیفه را در بستر عمومی تری بررسی کنیم؛ مجموعه وظایفی که بر دوش یک انقلابی کمونیست قرار دارد.

به پیش تازیم! این است شعار دائمی یک مبارز پیشرو. به وظایف انقلابی، پاسخ دهیم! این است اساس منش انقلابی. زندان و کلوله دشمن را با تیز کردن آتش پیکار و با ادامه کاری فدایی وار پاسخ گوئیم! این است خصلت برتر مبارزینی که از جریان فدایی برخاسته اند و از تاریخ این سازمان الهام می گیرند. هم چیز، انرژی ما، دانش ما، آموزش ما و شور ما در خدمت اعتلای مبارزه طبقه کارگر و پیکاری که به سویالیسم نظر دارد! این است شعار یک مبارز کمونیست.

تعمیق این درک، دستیابی به این خصلتها، مسلح شدن به آگاهی مارکسیستی - لنینیستی و وظیفه از پی می آورد و ارتقای سطح وظایفی که تاکنون عهده دار بوده ایم. از خود بیشتر توقع داشته باشیم. باید مدام

در مرحله فعلی، مقابله با یورش رژیم به سازمان و دفاع از جان مجموعه فدائیان ایران، بر سر دفاع از جان و آرمان همه انقلابیون در بند، می بایست در مجموعه فعالیت های ما جایگاه ویژه ای بیابد. این وظیفه تنها برعهده ما نیست. ما شرکت همه نیروها در این کارزار را همچون مبارزی تملکی می کنیم که با آن می توان میزان وفاداری سازمان های مختلف به اصل اتحاد همه نیروها در رزم مشترک را محک زد.

امکاناتی که داریم به تجربه انقلابیون دیگر کشورها نظر بدوزیم و دریابیم که برخورد با مسائل پیچیده جامعه ما، به دانش گرانمایه ای نیازمند است. مادر حال نبردیم، اما می دانیم که نبرد قطعی هنوز در پیش است. از این رو باید از نرنگ خود را آماده کنیم.

مبارزی که در زیر شکنجه حساسه می آفریند، مبارزی که در داخل کشور وقت و زندگی و انرژی و آگاهی خود را به تمامی در خدمت پیشبرد مبارزه می نهد؛ اینانند الگوهای ما. ما مدام باید از خود بپرسیم آیا توانسته ایم تلاشهای خود را با فدائیان و جانفشانی های این دلوران همتراز کنیم؟ آیا آنقدر

سلاح رزم ما شور انقلابی و آگاهی انقلابی است. اگر نیاموزیم، اگر مشعل آگاهی را فرارها مان قرار ندهیم، اگر شور انقلابی مدام به مدارج بالاتری از رزمجویی انقلابی ارتقا نیابد، وظایف جاری و عادی شده نیز، دستخوش افت خواهند شد.

وظایف جاری و عادی افت خواهند کرد در خارج از کشور، توجه به این مسائل - که جزو فعالیت مبارزاتی است - اهمیت ویژه ای دارد. فعالیت سیاسی در اینجا مخاطرات و مشقات داخل کشور را در بر ندارد. شرکت در این حرکت انشوری و اعتراضی سازمان دادن این حرکات برای جلب توجه جهانیان و نیز ایرانیان خارج از کشور به مسائل ایران، وظایفی است که جزو تمهیدات دموکراتیک و میهنی هر آن کسی است که به آزادی و اعتلای کشور خود می اندیشد. ما تنها وقتی بداین دید به این وظایف بنگریم - بدینی که نه تنها انجام این فعالیتها را بی قدر نمی کند بلکه آنها را بدیهی انگاشته و جزو اصول قرار می دهد - قادر خواهیم بود به مثابه انقلابیون کمونیست، آنچنان انرژی و شوری از خود نشان دهیم که بتوانیم دامنه فعالیت های خود را به مراتب از آنچه که باید بدیهی انگاشته شود، فراتر ببریم. دفاع از جان زندانیان سیاسی، افشاکاری علیه جنگ طلبی و سرکوبگری رژیم خمینی، بازتاب دادن فریادهای میهن در بند، اینان همه وظایف ما هستند و نه تنها ما، بلکه هر ایرانی شریف و آزاده ای که از فجاج خمینی در رنج است. اما به مثابه انقلابیون کمونیست چه کنیم؟ فعالیت های مختلف برای بسیج افکار عمومی جزو وظایف عام دموکراتیک و ملی است. این یک تعهد ساده و بدیهی است که بر اساس آن هر ایرانی نیک اندیشی می بایست به این فعالیتها بگردد. بنابراین باید نه تنها این انتظارات عام را برآورده سازیم، بلکه به مراتب پیش از اینها

می آموزیم که بتوانیم سهم بیشتری از وظایف انقلابی را عهده دار شویم؟ آیا به حد کافی در ارتقای خصلتهای انقلابی خود و رفقایمان جدیت نشان میدهم تا در پیکارهای آتی در سطر مقدم رزم باشیم؟ پیام رفقای در بند چنین است: تلاش بیشترا رفقای داخل کشور نیز

آری، ما تنها آن هنگام که به مثابه انقلابیون کمونیست، با تمام ظرفیت و بازمعنائی این عنوان، با وظایف خود برخورد داشته باشیم، می توانیم نه تنها از انجام وظایف بدیهی انگاشته شده غافل نمانیم، بلکه دامنه آنها را گسترش دهیم و محتوایشان را تعمیق ببریم. برای ما مبارزه، از حلقه هایی بیپایی تشکیل شده است. هر نبردی، نبرد دیگری را از پی می آورد. و ما از آن دو کمونیستیم که مصمم این زنجیره را تا به آخر طی کنیم. ما بر روی یک حلقه نمی ایستیم. مبارزه یعنی روزه پیش تاختر! درجا زدن، دچار روزمرگی شدن، با نیروی عادت و نه شور و آگاهی فزاینده حرکت کردن، افت و عقب گرد ادیبی دارد.

مهمون ما در شرایطی غیر عادی به سر می برده، کارنامه مبارزاتی همه ما باید فوق العاده باشد و از این رو نباید به کار عادی خوب بگریم. درون ما باید بجوشد، قلب ما باید فلان کند، مغز ما نباید سرشار از اندیشه باشد، تا بتوانیم دستاوردهای خود را پاسخ انقلابی به وظایف لحظه تملکی کنیم.

مهمون ما در شرایطی غیر عادی به سر می برده، کارنامه مبارزاتی همه ما باید فوق العاده باشد و از این رو نباید به کار عادی خوب بگریم. درون ما باید بجوشد، قلب ما باید فلان کند، مغز ما نباید سرشار از اندیشه باشد، تا بتوانیم دستاوردهای خود را پاسخ انقلابی به وظایف لحظه تملکی کنیم.

انرژی بیشتری از ما بجوشد و به عمل بنشیند. به انجام وظایف عادی بسنده نکنیم. پیکار ما، پیکار شگرفی است، پیکاری با ابعاد فوق العاده. فوق العاده تلاش کنیم، بیاموزیم و برای پیکار قطعی مهیا شویم. پاسخ انقلابی به وظایف انقلابی، هر چیز دیگری جز این نمی تواند باشد. عنوان وصفت انقلابی باشد.

پیام می دهند که بردامنه رزمتمان بپذیرید. و این همه تنها برای پاسخگویی به یورش متمرکز خمینی علیه سازمان ما نیست. ما مدام به نبرد قطعی نزدیکتر و نزدیکتر می شویم. تلاش ما به سهم خود قادر است پیکارهایی را جلو ببرد. در این پیکار، افکار عمومی جهانی یکی از ذخایر مهم انقلاب است. ما تنها

جمع کثیری از رفقای ما اکنون در زندانند. زندانهای جمهوری اسلامی انباشته از انقلابیون در بند است. رفقای که به اسارت نیتاده اند، می کوشند و قهقاهای در

بخشنامه تازه برای صدور گذرنامه

مقتدایی، عضو و سخنگوی شورایی قضایی اعلام کرد که حق صدور اجازه خروج از کشور از اختیارات این شورا است.

شورای عالی قضایی روز چهارشنبه ۲۷ اسفند خیر فوق رادر قالب بخشنامه ای تصویب کرده و از همه دستگاهها خواست که بعد از این مطابق آن عمل کنند. براساس این بخشنامه، اداره گذرنامه و دیگر واحدهای دولتی، در خصوص صدور گذرنامه موظفند از این پس تنها از شورایی قضایی کسب تکلیف کنند. بخشنامه شورایی قضایی در مورد محدودیت های مسافرت به خارج از کشور که مشتمل بر ۷ بند می باشد به شرح زیر است:

بنا به این بخشنامه، مواردی که علاوه بر موارد موجود و مسایل سیاسی موجب ممنوعیت خروج اشخاص از کشور می شود عبارتند از:

۱ - بند ۲ ماده ۱۶ قانون گذرنامه، کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت دادگستری، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و شهرستانی.

۲ - ماده ۱۸ قانون گذرنامه در مورد افراد کمتر از ۱۸ سال و تحت ولایت و قیمومیت و مشمولین و زنان شوهر دار.

۳ - لایحه قانون ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۵۹/۹/۲۰ بدرخواست بانک مرکزی و دستور دادسرای عمومی تهران.

۴ - ماده ۱۰ حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۵۳/۱۲/۲۹.

۵ - تبصره ۴ ماده واحده قانون خدمت یکماهه پزشکان و وابستگان حرف پزشکی و پیراپزشکی مصوب ۶۰/۸/۲۴ و قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان، دغد انبوشکان و داروسازان مصوب ۶۰/۲/۴ و الحاق بعدی و ماده ۵ لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی درمائی و بهداشتی مصوب ۵۸/۹/۲۴.

۶ - ماده ۱۱ قانون وصول مالیات از اتموبیلهای غیرسواری مصوب ۶۳/۱/۲۱.

۷ - ماده ۱۷ قانون گذرنامه ممنوعیت خروج از کشور، بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی مصوب ۵۱/۱۲/۱۰.

همانگونه که از مفاد بند ۱ بخشنامه فوق آشکار می شود، وزارت اطلاعات (ساواک رژیم) همچنان در کار صدور گذرنامه دخالت خواهد داشت. نمایندگان این وزارتخانه اجازه صدور گذرنامه برای کسانی که به لحاظ سیاسی "مطلنون" شناخته شوند، نخواهند داد.

قطع رابطه تونس و ایران

وزارت امور خارجه تونس طی یک یادداشت رسمی اعلام کرد که به دلیل دخالت سفارت جمهوری اسلامی در امور داخلی این کشور و نقش آن در تحریک و سازماندهی گروههای متعصب و ضد دولتی علیه رژیم تونس تصمیم به قطع روابط خود با جمهوری اسلامی گرفته است. در پی صدور این یادداشت، به کاردار سفارت جمهوری اسلامی نیز دستور داده شد از خاک تونس خارج شود.

محمود افجه ای کاردار پیشین سفارت ایران در تونس روز چهارشنبه طی یک مصاحبه تلویزیونی در تهران به تشریح پیرامون روابط جمهوری اسلامی و تونس پرداخت. افجه ای که در پی قطع روابط ایران و تونس به دستور دولت این کشور ناچار به ترک تونس گردید، مدعی شد که دولت تونس سندی مبنی بر نقش آنان در اتهامات وارده ارایه نکرده است. یادآوری می شود که هفته گذشته دولت و

تکرار شعار کهنه "سال پیروزی"

هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورایی عالی دفاع در نماز جمعه فروردین با ارائه بیلابنی از دستاوردهای نظامی، ادعا کرد که در سال گذشته ۱۵۰ هواپیمای عراقی سرنگون شده، یکهزار تانک آن منهدم گردیده و ۵۰۰۰ تن به اسارت جمهوری اسلامی درآمده اند. هاشمی رفسنجانی که در نماز جمعه سخن می گفت ضمن اشاره به ارقام مذکور، وعده کرد که جمهوری اسلامی در سال ۶۶ بر عراق پیروز خواهد گشت و سرنوشته جنگ تعیین خواهد شد. رئیس مجلس جمهوری اسلامی بانکرار شعار کهنه "سال پیروزی" و اعلام خبر اعزام سپاهیان صاحب الزمان در روز ۲۵ فروردین به جبهه، گفت: "روند جنگ امسال تعیین می شود. امسال آن چنان سپاهی به میدان خواهد آمد که ثمرات پیروزیهای سال گذشته را بگیرد و سرنوشته جنگ را بهره برداری کند."

علاوه بر رفسنجانی، موسوی نخست وزیر، خامنه ای رئیس جمهور، وزیر سپاه و سخنگوی سپاه نیز شعار سال پیروزی را تکرار کردند و سخن از اعزام سپاهیان تازه، نفس گفتند.

لشکری که رفسنجانی و سایرین از اعزام آن با نام سپاهیان "صاحب الزمان" یاد می کنند، سومین "سپاه صدرانقری" از بسیجی های نوجوان است که طی چهار ماه اخیر برای "بهره برداری ثمرات پیروزیهای گذشته" روانه جبهه می شوند. قبلا سپاهیان "محمد" و "مهدی" عهده دار این رسالت بودند.

سخنان نوروزی خمینی

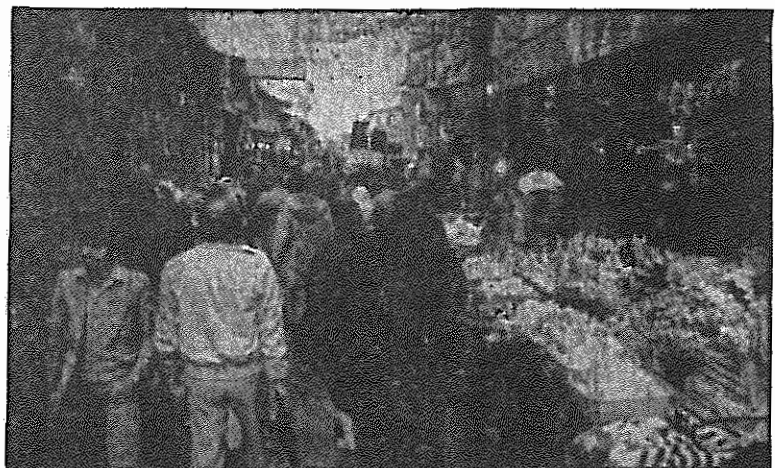
خمینی در سخنان نوروزی خود که روز اول فروردین ایراد کرد به توصیف ویژگیهای عید نوروز پرداخت و گفت: شوروژ امسال خصوصیات دارد که برای آن خصوصیات مبارک است و افزود این ویژگیها به سبب پیروزیهایی بوده که همه می دانیم، و بعد اینکه بین مبعث و ولادت امام اول واقع شده است!

خمینی بدون اینکه مطلب بیشتری در مورد فروروز بگوید، به اختلافات درون رژیم پرداخت و خواستار شد که مسئولین حکومتی باید از ففاق، درگیری و جبهه گیری در برابر یکدیگر و حکومت پرهیز کنند. و اضافه کرد بویژه سپاه و ارتش از درگیریها به دور باشند.

لغو معافیت تحصیلی دانش آموزان

شورای عالی آموزش و پرورش اعلام کرد که از سال تحصیلی آینده، آن دسته از دانش آموزان سال چهارم دبیرستانهای روزانه که قادر به قبولی در امتحانات خرداد و شهریور ماه نشده اند، مجاز به شرکت در کلاسهای روزانه نیستند. همچنین گفته شد "برای این گونه دانش آموزان معافیت تحصیلی فقط برای سه ماه مهر، آبان و آذر معتبر خواهد بود."

به این ترتیب، پس از پایان یافتن مهلت سه ماهه معافیت تحصیلی، حوزه نظام وظیفه این دسته از دانش آموزان را به بهانه "مشمولیت" راهی جبهه خواهد کرد. بقیه در صفحه ۱۴



اگرچه گرانی است و دست مردم تنگ، اما به هر حال عید نوروز است و باید آن را به گونه ای که در خور است برپا داشت بخصوص وقتی که هر لبخندی و هر جوانه امیدی سلاخی باشد علیه خمینی. باز در عید نوروز امسال نیز از این نیاز و آگاهی کز می گرفته است.

مقاومت ضد جنگ

مدرسه نمونه

... دبیرستان دخترانه شهید باهنر در تهران، نمونه یک مدرسه اسلامی با الگوی مرتجعین حاکم است. کلاسهای این دبیرستان انباشته از دانش آموز است. حزب الهی های این مدرسه در آزار و اذیت دانش آموزان به تکاپو افتاده اند تا گوی سبقت را از رقبای حزب الهی خود بر بیایند، تا زودتر سمت مدیریت مدرسه ریاست منطقه و... را از آخوندهای آموزش و پرورش دریافت کنند. مهمترین فعالیت مسولین دبیرستان در رابطه با آموزش دانش آموزان به تبلیغات جنون آمیز جنگ اختصاص دارد، و تا می توانند نیز، اولیای دانش آموزان را رکیسه می کنند. در آغاز سال جدید تحصیلی از هر دانش آموز ۱۰۰۰ تومان پول گرفتند. ولی این پولها را چه کرده اند معلوم نیست. در این مدرسه آزار دانش آموز حد و مرزی نمی شناسد. اگر دانش آموزی مریض بشود، حق ندارد غیبت کند. گواهی پزشک را هم قبول ندارند. در حال غیبت چه مرچه باشد چه نامرچه، ۲ نمره از نمره انضباط دانش آموز کم می شود. دانش آموز اگر شلوار چین بپوشد، یا لباسهای آنچنانکه باید، اسلامی نباشد، اگر کفش تیره نپوشد، ۲ نمره از نمره انضباطش کم می شود. طرح کاد دختران این مدرسه زیر نظر انجمن اسلامی است. تنها آموزش این طرح، واداشتن دانش آموزان برای دوخت و دوز لباس برای جبهه های جنگ است. دانش آموزان حق داشتن نماینده و با تشکلی را ندارند. همه چیز باید از مجاری انجمن اسلامی بگذرد. کمک به جبهه امری اجباری است و تخطی از آن برابر با مردود شدن در تحقیقات کنکور و قرار گرفتن در لیست سیاه انجمن اسلامی است. در رنگ ورزش هر کدام از دانش آموزان، در گوشه ای به کار غیر ورزشی مشغولند. تشکیل تیم های ورزشی، بدون اجازه انجمن اسلامی امکان پذیر نیست. سطح آموزش دیگر فاجعه بار است. ۷۵ درصد از دانش آموزان قبولی، در شهریورماه قبول می شوند. معلمان بیشتر از خانواده شهدا هستند که اکثرا سوادشان در حد خواندن و نوشتن است.

می شد، صدایش را برید. مردم از هر سوبه مزدوران کمیته حمله می آوردند و بالاخره نمره های شوم آنها را در گلویشان خفه کردند.

... در جریان بمباران محله "ده پیانه و شیخ علی چوپان" در نزدیکی های فلکه خاتون شهر شیراز، عده زیادی از زنان سواد آموز با بچه های خود کشته و مجروح شدند. مردم خشمگین و با چوب و قمه مزدوران کمیته را که قصد نمره "جنگ، جنگ تا پیروزی" را داشتند، از محل فراری می دادند. زنان این منطقه، با اجتماع در کوچه ها، آشکارا و با صدای بلند به خمینی و ملاهای حاکم لحن و نثرین و دشنام می فرستادند و علیه جنگ تبلیغ می کردند.

... تظاهرات و اعتراضات ضد جنگ مردم در شهر میانه، خصوصاً بعد از بمباران مدارس اشکال و ابعاد گسترده ای داشت. مردم به منظور اعتراض به جنایات خمینی، حتی از دفن فرزندان کشته شده خود خوداری می کردند. جریان این اعتراض مردم، در همه جای شهر پیچیده بود. مزدوران رژیم برای سرکوب اعتراض مردم به آنها هجوم آوردند. اما مردم معترض تسلیم و شیکریهای مزدوران نشدند و با راه انداختن تظاهرات ضد جنگ با ماموران رژیم درگیر شدند. در طی این درگیری مزدوران حکومتی، بر روی مردم خشمگین آتش گشودند.

... در بمبارانهای مناطق مسکونی شهر شیراز بوسیله هواپیماهای عراقی، کوچه اصغری که در انتهای خیابان اصلاح نژاد قرار دارد، بیشتر از سایر نقاط کشته و مجروح داشت. حوالی ساعت ۱۱ شب بود که این محل بمباران شد. اهالی آن حوالی بلافاصله، برای نجات جان مصدومین به محل بمباران ریختند. نزدیک به ۲۰ نفر کشته و تعدادی مجروح شده بودند. در این محل نیز، مثل بقیه جاهای بمباران شده، مزدوران کمیته و جیره خواران حرفه ای رژیم با نمره های جان خراش "جنگ، جنگ تا پیروزی" از راه رسیدند. این بار شورا فکون و دوربین فیلمبرداری هم برای ضبط جنایات خود همراه آورده بودند. یکی از مزدوران، مثل چند روی آوار یک خانه ویران شده رفت و نمره "جنگ، جنگ تا پیروزی" را سرداد. بعد از نمره پلید آن مزدور، یکی از زنان محل، با فریاد از روی آوارها برخاست و با خشم داد کشید: "مادر سگ زیر پایت جنازه است، خفقان بگیر!" و بعد فریادهای اعتراض از هر سو بلند می شد: "بیا پایین بی شرف، مردم احتیاج به کمک دارند"، "جنگ مردم را نابود کرد، بیا پایین!" و ... مزدور رژیم نمی خواست از رو برود. خواست دوباره نمره "جنگ، ... را تکرار کند. تکه های آجر، که بر فرق سرش فرو می آمد و خرده شیشه ها که به پیش پرتاب

مقابله دهکده داران و مردم محله "معالی آباد" شیراز
بناژاند امری محل

رفتار حیوانی مامورین، مردم محل به اعتراض و مقابله با آنان برخاستند. رئیس پاسگاه از ترس به سربازان دستور آتش داد. مردم دهکده داران به دستور رئیس پاسگاه سعی نگذاشتند و او را کتک مفصلی زدند. بر تعداد جمعیت هر لحظه افزوده می شد. رئیس پاسگاه با مشاهده این عکس العمل مردم، فرار را بر قرار ترجیح داد و با سربازان خود به داخل پاسگاه فرار کرد.

در اواخر دی ماه، مامورین شهرداری به دهکده داران محله "معالی آباد" در شیراز یورش آوردند. مقابله دهکده داران با مامورین شهرداری باعث شد که پاسگاه ژاندارمری "معالی آباد" وارد عمل بشود. چاقو داران شهرداری، تحت حمایت سرنیزه های ژاندارمری به دستور رئیس پاسگاه، پیرمرد فلجی را که بیش از سایرین در مقابل آنها مقاومت می کرد، زیر مشت و لگد گرفتند. در پی این

اعتراض فرهنگیان شیراز

اخیراً مسئولین رژیم در شهر شیراز اعلام کرده اند که آندسته از فرهنگیان این شهر که تاکنون ۴۰۰ هزار تومان وام مسکن دریافت نموده اند، باید ۱۰۰ هزار تومان آنرا مسترد دارند. دبیران و معلمان شیراز، به این مسئله اعتراض نموده و با جمع آوری طومار و امضا خواهان لغو این دستور العمل و کاهش بهره کمرشکن این وام شده اند.

تشهدید فشار مالی بر کارکنان موسسه کیهان

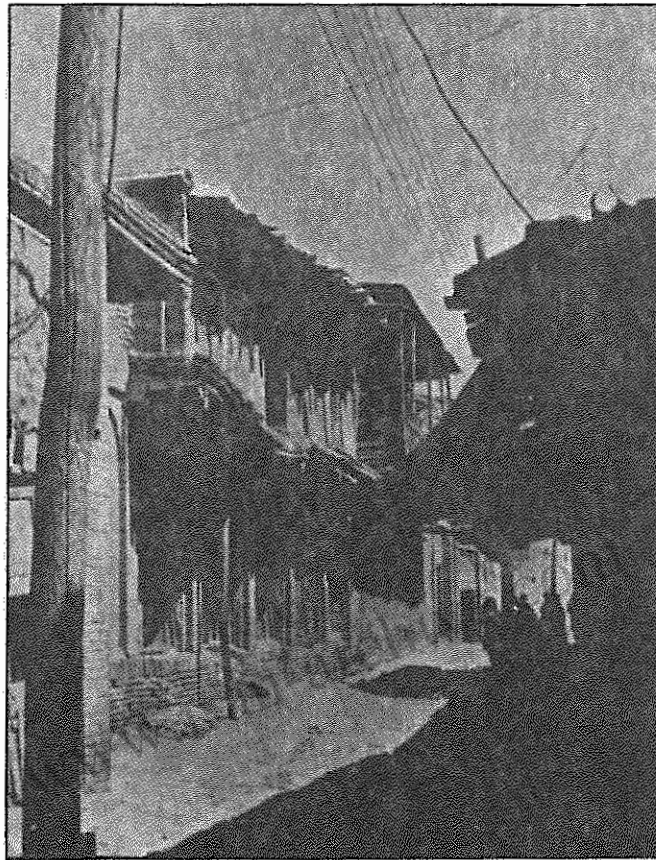
از زمانیکه دفتر و دستک مالی موسسه کیهان از بنیاد مستضعفین به ولی فقیه واگذار شده است، فشار مالی بر کارکنان این موسسه به چندین برابر افزایش یافته است. اکنون اضافه کاری تمامی کارکنان قطع شده است و در ضمن بیمه بازنشستگی پرسنل به حساب سرپرست کیهان واریز می شود.



پدر با کرجی کوچکش همراه خورشید آهسته به دل کومه های غروب دریا نشست و آنان در تارکی وهم انگیز ساحل تمام شب را چشم انتظار او مانده اند. مردم که می گذرد، دل دریا زلال تر و شفاف تر می شود، نور فانوس رنگ می بازد اما در افق نکامشان هنوز نشانی از پدر نیست. آیا باز خواهد گشت؟

خرم آباد از میان گزارشها و نامه ها:

تجسم ویرانگری رژیم، تجلی رزم مردم



کزارشی که در زیر می خوانید حاصل تلفیق چندین گزارش است که وضعیت شهر خرم آباد را از جنبه های گوناگون تصویر کرده اند.

در کارخانه

کارخانه شرکت پارسیلون که نخ و الیاف پلاستیکی تولید می کند از کارخانه های عمده شهر خرم آباد است. این کارخانه با مشارکت کارشناسان آلمان فدرال و لهستان ساخته شده است. به علت وجود شرایط چنگی، کارشناسان خارجی از دو سال پیش کارخانه را ترک کرده اند. این کارخانه با کمبود شدید مواد اولیه روبروست. اکنون تنها بخش مربوط به تاب دادن نخ دایر است. اخراج کارگران که به بهانه های گوناگون صورت می گیرد از تابستان سال ۶۵ شدت گرفت و تاکنون بیش از صد نفر از کارگران اخراج شده اند. شدت کار در این کارخانه بسیار زیاد است. تکنولوژی بالای کارخانه و عدم آموزش کارگران، موجب زیاد بودن میزان ضایعات کارخانه شده است اما کارگران باید خسارت آنرا چبران کنند. برای هر شیفت کاری ضایعات کارخانه نباید از ۱۵ کیلوگرم نخ به ازای هر کارگر بیشتر باشد. کارگران باید در تمام طول شیفت کاری که ایستاده صورت می گیرد با دقت و حساسیت زیاد مراقب دستگاه ها باشند. اکثر کارگران از ناراحتی های مفاصل و پاها و بیماری واریس (تورم و انسداد رگ های پا) بعلت سرپا ایستادن مستمر، ناراحتی شنوایی بعلت سروصدای زیاد و ناراحتی بینایی بعلت حساسیت دستگاه ها و لزوم دقت زیاد، رنج می برند.

کارگران را بصورت قراردادی و با حق لغو قرارداد از سوی کارخانه استخدام می کنند. هر سه ماه یکبار وضع کارگر توسط کارخانه مورد بررسی قرار می گیرد. در اکثر موارد کارگر را اخراج و فرد دیگری را بجای او استخدام می کنند. سطح حقوق بسیار پایین است. حقوق یک کارگر در ابتدای استخدام ۲۲۰۰ تومان است. اعتراضات کارگران پراکنده است. در کارخانه شورایی وجود ندارد. انجمن اسلامی اختناق زیادی در کارخانه ایجاد کرده است. رئیس انجمن اسلامی شخصی است به نام امیری که ریاست کارگزیینی را هم بر عهده دارد و نماینده انتصابی

کارگران نیز هست. این شخص که با عوامل امنیتی و سپاه همکاری نزدیکی دارد، بر تمامی مراحل استخدام در سطوح مختلف در کارخانه نظارت دارد.

* کارخانه بزرگ دیگر شهر خرم آباد کارخانه پوست و چرم لرستان است. مبارزه کارگران با مدیریت و عوامل رژیم نه بشکل متشکل اما گاه بشکل حاد ادامه دارد. حقوق کارگران دیر به دیر برداخت می شود. فشار به کارگران برای اعزام به جبهه بسیار زیاد است. یکبار در فروردین سال گذشته اعلام شد "ما مزدی به کارگران نمی دهیم. هر کس می خواهد حقوق ماهیانه اش را بگیرد باید به جبهه برود." در همان زمان عده ای را روانه جبهه ها کردند اما یا جسد آنها برگشت یا مجروح و معلول شده بودند. در کارخانه پوست و چرم لرستان برای هر شیفت کاری سهمیه تعیین شده است. در هر شیفت کار هر

حجابی قلمداد می شود. در ادارات شهر اطاق زنان را جدا کرده اند. گشت های رنگارنگ پیاده و سواره چهارچشمی بر حرکت زنان در خیابان ها نظارت دارند. بسیاری از زنان لر بر طبق سنت محلی در جلوز خانه ها همراه مسایگان می نشینند و قلیان می کشند.

رژیم با تبلیغات فراوان و بخصوص با اراجیف امام جمعه شهر اعلام کرده است که زنان حق نشستن و تجمع در جلو خانه را ندارند. فشارهای تحمیل شده بر زنان عملاً آنان را از بسیاری امکانات محروم ساخته است. نمونه نحوه استفاده از وسایل نقلیه عمومی در این زمینه مثال خوبی است. اکنون این زمینها می توانند با استفاده از وانت بار و آن هم در پشت آن از جایی به جای دیگر بروند. مطلب از این قرار است که اولاً بر اثر افزایش جمعیت خرم آباد، تاکسی ها و مینی بوس های شهری توان جابجایی مردم را در شهر ندارند. در نتیجه از بیش از دو سال پیش وانت بار سوار شدن امری عادی شده است. در کنار این مسئله از مدتی پیش از سوی مقامات رژیم اعلام شد که سوار شدن زن و مرد در کنار هم حرام است. به دنبال آن شیخ عبا سعلی صادقی امام جمعه موقت شهر در نماز جمعه اعلام کرد که اگر زن یا مردی در جایی بنشینند و برخیزد به دلیل وجود گرمای بدن در محل نشستن، تا مدتی جنس مخالف وی باید آنجا بنشیند. این فرد در صدد پیاده کردن کشف شرعی خود در وسایل نقلیه عمومی برآمد. اولین کار این بود که زنان حق نشستن در جلوی تاکسی را ندارند چرا که ممکن است مرد نامحرمی در کنارشان بنشیند. راننده نیز که نامحرم است. برای پیگیری آن ماموران راهنمایی و رانندگی موظف شدند که تاکسی های متخلف را متوقف نمایند. زن و شوهر، خواهر و برادر و دیگر بستگان "محرم" باید همیشه مدرک اثبات "محرمیت" نیز با خود داشته باشند. همچنین اگر راننده بخواد خواهر یا همسرش را سوار کند باید مدارک لازم را همراه داشته باشد.

کارگر موظف به تولید سهمیه مقرر می باشد. با وجود شرایط سخت کار در کارخانه های چرم سازی، کارگران این کارخانه از حداقل وسایل کار مانند ماسک، دستکش و وسایل حفاظتی دیگر بی بهره اند. ناراحتی های استخوانی، مفاصل و نیز چشمی در بین کارگران پوست و چرم لرستان بسیار رایج است.

زنان خرم آباد مجاز نیستند سوار تاکسی شوند

زنان خرم آباد بطور سنتی در فعالیت های اجتماعی حضور فعالی داشته اند. اما رژیم خمینی هر روز محدودیت بیشتری برای آنها فراهم آورده است. مدت هاست که استخدام زنان قطع شده است. بیرون از خانه آنها باید روزگار خود را در صف های مواد غذایی بگذرانند. بدون چادر بودن ابتدا بدحجابی دانسته شد و اکنون بی

به دنبال آن سوار شدن زنان در جلو وانت بارها ممنوع شد. از آنجا که هیچ راننده تاکسی حاضر نیست. مدتی برای خنک شدن ا صندلی عقب اتومبیل صبر کنند تا یک زن را سوار کند و پس از پیاده شدن وی نیز منتظر خنک شدن مجدد باشد عملاً تنها جایی که برای زنان در نقل و انتقال شهری

کسانی است که به نحوی کارشان به دادگاه می‌انجامد. روابط ویژه شیخ صادقی با تصویرخان بهاروند، داراب خان سهیلی و سایر خوانین منطقه و همچنین مجالس تریاک کشی و عیش و عشرت آنان زبانه‌زد خاص و عام است. به علت عشائری بودن منطقه و تحریکات فتووال‌ها، درگیری‌ها و زد و خورد های مسلحانه فراوانی در منطقه بوقوع می‌پیوندد. این دعاواها عموماً با پر شدن چیب گشاد جناب رئیس دادگاه انقلاب اسلامی که مبالغ کلانی از طرفین دعوا می‌گیرد حل و فصل می‌شود.

از دیگر عوامل رژیم در لرستان آخوندی است به نام محمدی. از دزدی‌های مهم این فرد که قابل مقایسه با موارد مشابه مربوط به شیخ صادقی است، مربوط به ساخت یک شهرک به نام شهرک محمدی در اطراف بخش الشتر است. ساخت این شهرک که هدف از آن اسکان عشایر کوچ نشین اعلام شده

گسترده بسیاری از رانندگان را دبیلیمه های بیکار تشکیل می‌دهند و حکومت نیز مرتباً علیه آنها تبلیغات می‌کند. بلندگوهای تبلیغی رژیم بسیاری اوقات از مراعات نکردن موازین شرعی توسط رانندگان سخن می‌گویند. هراز چندگاه به ناکیان تاکسی‌ها را متوقف و مورد بازرسی قرار می‌دهند. وجود هر نوع تزیین درون تاکسی، پخش صوت، آینه اضافی و ناهماهنگ بودن لباس و قیافه رانندگان با معیارهای اسلامی رژیم جرم شمرده شده و پیگیری می‌شود.

اولین هدف: تیر کردن چیب

مهمترین کارگزار رژیم در شهر خرم‌آباد شیخ عباسعلی صادقی است. وی در حقیقت همه‌کاره شهر است. شیخ صادقی رئیس حوزه علمیه شهر خرم‌آباد، امام جمعه موقت و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی است. امام

مجبور می‌کنند که خودشان پارچه و کاموا تهیه کنند و برای ارسال به جیب‌ها لباس و بافتنی درست کنند. هر چند وقت یکبار از آنها خواسته می‌شود موادی چون شکر و هویج و نخود و لوبیا و... برای درست کردن مربا و آش با خود بیاورند. آش را دوباره به خود دانش آموزان به اجبار می‌فروشند و عوایدش را برای جیب ارسال می‌کنند. بارها رسماً از طرف روسای مدارس اعلام شده است که مانده تنها در مدرسه بلکه در بیرون نیز مواظب دانش آموزان هستیم. به دلیل فعالیت‌های گسترده افشاگرانه علیه رژیم، دانش آموزان بهنگام ورود به مدرسه توسط عوامل انجمن اسلامی مورد تفتیش بدنی قرار می‌گیرند. آنها به دنبال مازیک، اعلامیه و نشریه می‌گردند و اگر زینت آلات و اشیایی از این دست نیز بیابند ضبط کرده و دانش آموزان خاطی را شدیداً مورد فشار قرار می‌دهند. معلمین امور تربیتی ضمن کنترل و سر دستگی جاسوسی و اعمال فشار به محصلین عقب مانده ترین و منحلترین اندیشه‌ها را در درس تعلیمات دینی به دانش آموزان می‌دهند. دانش آموزان مجبورند نمره خوب در این درس بگیرند. در غیر این صورت در صورت قبولی در دانشگاه تأیید نخواهند شد و حتی همانطور که بارها تهدید کرده‌اند برای امتحانات نهایی نیز معرفی نمی‌گردند.

جابجایی مسافر در خرم آباد

جمعیت شهر بخداری زیاد شده است که وسایل نقلیه عمومی نمی‌توانند جوابگو باشند. اکنون بخش عمده‌ای از جابجایی مسافر را وانت‌ها با رها بعهده دارند. در گرما و سرما عقب و انت بار سوار شدن امری عادی شده است. تاکسی‌ها فقط مسیرهای کوتاه را می‌برند. با گران شدن بنزین کرایه‌ها در خرم‌آباد از ۱۰ ریال به ۱۵ ریال افزایش یافت. یکی از معلمین آموزش و پرورش می‌گفت: "با اضافه شدن همین ۵ ریال من، همسر و فرزندم برای رفت و آمد باید ماهیانه حداقل سیصد تومان اضافه بدهیم. دولت با حذف سوسید بار آثار پر دوش ما گذاشته است."

رژیم مینی بوس‌های شهری را به زور هر زمان که بخواهد به نقل و انتقال نیروهایش به جیب جنگ اختصاص می‌دهد. با توجه به مشکل بیکاری

مانده است پشت وانت بار است. هراز چندگاهی اوباش رژیم منطقه‌ای را قرق می‌کنند و زنان و مردان و جوانانی را که بقول خودشان بی‌حجاب هستند مورد ضرب و شتم قرار داده با چاقو لباس‌های غیر شرعی آنان مثل شلوار چین، پیراهن آستین کوتاه و کفش و جوراب و... را بر تنشان پاره می‌کنند. موهای جوانانی را که ظاهر اسلامی نداشته باشند، "چهار خیابان" قیچی می‌کنند.

زنان کارمند حق رفت و آمد به اطاق مردان همکارشان را ندارند. مراجع کفندگان نیز اجازه ورود به اطاق زنان کارمند را ندارند. در خیابان و یا پارک اگر بتوان نام پارک بر آنها نهاد-گشتی‌ها جلوی زنان و مردانی را که با هم حرکت می‌کنند گرفته و مدارک شناسایی درخواست می‌کنند. مدت‌هاست که به مراکز درمانی و پزشکی فشار می‌آورند که پزشک مرد حق معاینه زن را ندارد. ورود مردان به بخش زنان بیمارستان‌ها ممنوع شده است. این طرح را بعلت کمبود پزشک نتوانسته‌اند اجرا کنند. خانمی می‌گفت "برای گرفتن دفترچه بیمه به درمانگاه و مرکز بهداشت شماره یک خرم‌آباد معرفی شدم. موقع گرفتن فشارخون خواستم آستینم را بالا بزنم اما پزشک بننگلادگی گفت به من گفته‌اند اینطور خوب نیست. اوفشار خونم را از روی لباس کلفت و مانتو اسلامی مثلاً اندازه گرفت."

در دبیرستان‌های دخترانه فشار بسیار بالاتر است. هر روز یک نوع لباس را برای دانش آموزان اجباری می‌کنند. در اول مهر اعلام کردند که دختران حتماً باید چادر سر کنند. هنگام ثبت نام از ولی دانش آموز تعهدی می‌گرفتند که به ضمیمه آن یک فرم لباس بود. تخطی از این فرم در پوشش دانش آموز مترادف با اخراج معرفی شده بود. لباس باید یک رنگ باشد. رنگ روشن، چه کفش و چه لباس ممنوع است. مقنعه باید چانه داشته باشد و تمام سر و گردن و شانه‌ها تاروی دست‌ها را بپوشاند.

بارها اعلام شده است که دبیر مرد نباید در کلاس دختران تدریس کند اما بخاطر کمبود دبیر تاکنون قادر به اجرای این طرح نشده‌اند. دائماً به دانش آموزان گوشزد می‌کنند که حق نگاه کردن به دبیر مرد و یا صحبت کردن خارج از موضوع درس را با وی ندارند. دفتر کار و استراحت دبیران و کارکنان زن و مرد در مدارس از هم جدا شده است. در کلاس‌های طرح کاد دانش آموزان را



است تنها بهانه‌ای برای بالا کشیدن بودجه هنگفتی است که از دولت جهت احداث آن اخذ شده است. ادامه دارد

جمعه موقت خرم‌آباد از بستگان یکی از خوانین بخش الشتر (از توابع شهرستان خرم‌آباد) است. عمده اشتغال وی دریافت رشوه و پیشکش از

دور از میهن

خودسوزی در غربت

اهواز، در کینهاگ دست به خودکشی زد.
آنچه از ورای این دو واقعه جانکداز پیداست، چهره کریم رژیم خمینی است. رژیمی که این چنین فرزندان میهن را آواره و اندوهگین کرده است.
برای جوانان مهاجر ایرانی و همه میهن دوستانی که وطن گنجینه یادگارا و امیدهایشان است، تنها راه پایان دادن به این درپردی‌ها و بنای ایرانی آباد و آزاد، پیکار متحد علیه رژیم پلید جمهوری اسلامی است. ●

اعتصاب غذا در بلژیک

بستری گردیدند.
انجمن پناهندگان بمنظور جلوگیری از اخراج ایندسته از هموطنان مهاجر با کمیساری عالی سازمان ملل و وکلای مترقی تماس گرفت. پلیس بلژیک که از بازتاب بیرونی اقدامات غیرانسانی خود در هراس بود به نماینده سازمان ملل که پس از اطلاع از موضوع قصد ملاقات با محبوسین را داشت، اجازه ورود به محل بازداشت را داد.

سرانجام در تاریخ ۹ مارس بر اثر اقدامات انجام شده، مهاجرین بازداشتی از فرودگاه آزاد گردیدند اما دولت بلژیک از پذیرش تقاضای پناهندگی آنها خودداری نمود. این امر انجمن را در برگراری اعتصاب غذا مصمم تر نمود. طبق گزارش منتشره از سوی انجمن "احزاب، سازمانها، نیروهای مترقی سیاسی و شخصیت های مختلف با اعزام نماینده و ارسال پیام و حضور در جمع اعتصابیون، از حرکت انجمن پشتیبانی کردند" از آن جمله اند:

- حزب کمونیست بلژیک (حضور نمایندگانش کمیته مرکزی حزب)
- حزب سوسیالیست بلژیک (حضور مسئول روابط بین الملل، نماینده حزب در پارلمان، نماینده حزب در سنای بلژیک)
- سندیکای کارگران بلژیک
- دفتر حمایت از خارجیان در بلژیک (ارسال پیام)
- دفتر جنبش ضد نژادپرستی در بلژیک (حضور نمایندگانش)
- حزب کمونیست یونان (بلژیک)
- سازمان میر شیلی (حضور نماینده).

به گزارش روزنامه لوموند مورخ ۲۰ مارس ۸۷، یک جوان مهاجر ایرانی در برابر کمیساری عالی سازمان ملل برای پناهندگان در آنتکارا دست به خودسوزی زد. این حادثه در دناک روز ۱۸ مارس روی داد. جوان مزبور محمد رضا تمیز نام داشت. نامبرده در اعتراض به سازمان ملل که از پذیرفتن وی به عنوان پناهنده خودداری کرده بود دست به این اقدام زد.
چند روز قبل از آن نیز یک جوان ایرانی بنام حمید از اهالی

از تاریخ ۱۰ مارس تا ۱۲ مارس به ابتکار انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک اعتصاب غذایی با شرکت عده کثیری از هم میهنان ما در اعتراض به سیاستهای دولت بلژیک در قبال پناهندگان سازمان داده شد.

در این اعتصاب غذا بیش از ۶۰ تن شرکت داشتند و عده بیشتری نیز با کرد آمدن در محل اعتصاب حمایت خود را از خواستهای اعتصابیون اعلام داشتند. در گزارش اعتصاب غذای انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک آمده است: "با توجه به عدم پذیرش تقاضای پناهندگی ۴۲ تن از هموطنان بعنوان کاندید پناهندگی و با توجه به سلب مسولیت وزارت دادگستری از خود در بازگرداندن شش تن به پاکستان، انجمن ضمن انتشار اطلاعیه‌ای، آغاز اعتصاب خود را اعلام و با صدور اطلاعیه‌ای حمایت مردم بلژیک، سازمانها، احزاب و نیروهای مترقی و دمکراتیک را از اعتصاب خواستار گردید."

اخبار واصله در این زمینه حاکی است که پیش از این اعتصاب، در تاریخ ۲۶ فوریه پلیس بلژیک ۶ ایرانی مهاجر را پس از ۹ روز بازداشت در فرودگاه بروکسل به پاکستان برگرداند.

همچنین ۴۲ تن مهاجر ایرانی را در فرودگاه بروکسل، در اتافی که فاقد امکانات اولیه زندگی بود محبوس کردند و هر لحظه خطر بازپس فرستادن آنان جدی تر می شد. از این عده سه نفر با بریدن رگهای دست خود قصد خودکشی داشتند که در بیمارستان

بقیه از صفحه اول
خروش صلح
در خیابانهای مدرس - هندوستان

پیداهو و حاشیه خیابانهای مسیر راهپیمایی حرکت راهپیمایان را به نظاره ایستاده بودند، با تکرار شعارها همبستگی خود را با خلق رنج دیده ایران نشان می دادند. این همبستگی گرانقدر و انسانی در سراسر مسیر راهپیمایی که از مقابل دفتر روزنامه "هندو" آغاز و تا کنسولگری آمریکا ادامه یافت، هویدا بود. آنها با استقبال از اعلامیه فداییان خلق در هند، تحت عنوان "علیه قتل عام مردم ایران بهاخیزیم" بر این همبستگی تاکید می کردند.

هفت سال جنگ، هفت سال کشتار، هفت سال ویرانی. کدام زحمتکش و انسان شریفی در سرتاسر کیتی می تواند برای دژخیمانی که چنین فاجعه هستی سوزی را رحمت الهی می نامند، جز مرگ بخواد.

شاخه مدرس احزاب و اتحادیه‌های زیر با حضور و حمایت خود، به این نظامرات شکومی آن چنان بخشیدند:

حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هند (مارکسیست)، مرکز اتحادیه‌های کارگری هند، کنگره اتحادیه‌های سراسری هند، فدراسیون ملی کارگران هست و تلگراف هند، انجمن کارکنان سراسری بانک‌های هند، فدراسیون جوانان دمکرات هند، فدراسیون ملی زنان هند، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و...

ایران و عراق را متوقف کنید! ... آن کارگر هندی، آن روشنفکر هندی، آن ایرانی میهن دوست و آن دانشجوی فلسطینی یا سریلانکایی که همراه با فداییان خلق باصلابت رژیمی خویش می خروشید، مرگ بر خمینی! خشم انسانییت علیه سیاستهای ضد انسانی رژیم خمینی را بازتاب می داد. وقتیکه صف راهپیمایان به ساختمان کنسولگری آمریکا رسید، این شعار و شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" با تیزویی دوچندان در خیابانهای اطراف طنین افکند.

راهپیمایان در مقابل کنسولگری کرد آمدند و آنگاه "بیانیه صلح" که از سوی نیروهای شرکت کننده تدوین شده بود، قرائت گردید. در این بیانیه بر خواسته‌های زیر تاکید شده است:

۱- آتش بس فوری در همه جبهه‌ها و پایان دادن به مخاصمات از طریق مذاکرات سیاسی.
۲- احترام به تمامیت ارضی دو کشور
۳- قطع هرگونه پایمال نمودن حقوق انسانی و موازین دمکراتیک مردم دو کشور ایران و عراق
۴- اعلام خلیج فارس و اقیانوس هند بعنوان منطقه صلح.

خبر این راهپیمایی در روزنامه پرتیراژ "هندو" و چند روزنامه دیگر بازتاب یافت. آنچه در راهپیمایی مدرس جلب نظر می کرد، واکنش مردم بود. مردمی که در

اشوتگارت: دفاع از زندانیان سیاسی ایران

روز دهم فروردین فداییان خلق در شهر اشوتگارت به برپایی یک تظاهرات ایستاده در دفاع از جان زندانیان فدایی و دیگر زندانیان سیاسی میهنمان مبادرت ورزیدند. در تظاهرات مزبور بیش از هزار اعلامیه به زبان آلمانی و فارسی پخش شد و صحنه‌ای از اقدام انقلابیون ایران به نمایش درآمد.

در محل تظاهرات شعارهایی چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زنده باد صلح و پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی به چشم می خورد. این حرکت اعتراضی که در یکی از میدانهای اصلی اشوتگارت بوقوع پیوست توجه بسیاری از شهروندان آلمانی را برانگیخت. ●

شعر و مفاصل ایران

ترکیه جهنم پناهندگان

برای ایرانیانی که از جهنم خمینی می‌گریزند تادر گوشه‌ای از این جهان دور از دیوار و بار، به زندگی در غربت ادامه دهند، ترکیه جهنم دیگریست.

مهاجر ایرانی در ترکیه تنها به یک آرزو می‌اندیشد: فرار! اما آیا این دومین فرار هم میسر خواهد بود؟ این سؤالی است که دهها هزار ایرانی مقیم ترکیه با آن مواجه اند. بی آنکه بتوانند به آن پاسخ دهند.

رژیم ترکیه هر روز دایره فشار بر مهاجرین را تنگ‌تر می‌کند. آنها برای آنکه از حداقل امنیت جانی برخوردار باشند باید همواره از مقابل چشم پلیس مخفی باشند.

برای کسانی که از امکانات مالی لازم جهت رفتن به یک کشور سوم محرومند، تنها راه، مراجعه به دفتر سازمان ملل و تقاضای کمک از آن است. اما از این امامزاده هم نمی‌توان انتظار معجزه‌ای داشت. برای نمونه در آنکارا هر روز تعدادی از ایرانیان در کنار ساختمان دفتر سازمان ملل صف می‌کشند تا مسئولین دفتر وضعیتشان را بررسی کنند. مسئولین به کسانی که دارای کلان‌نامه قانونی هستند، برای دو ماه بعد تریبت مصاحبه می‌دهند. و به افرادی که بطور غیرقانونی وارد ترکیه می‌شوند، می‌گویند که ابتدا خود را به پلیس ترکیه معرفی کنند و به دستور پلیس برای مدتی در شهرهای مرزی کشور اقامت کنند. تنها در این صورت است که سازمان ملل موضوع پذیرش مهاجرین را بررسی می‌کند. مسئولین دفتر در عین حال هیچ‌گونه تضمینی مبنی بر عدم بازپس فرستاده شدن آنان به ایران نمی‌دهند. این امر همواره اضطراب مهاجرین را که در شهرهای مرزی منجمله "وان" به چشم خود رابطه نزدیک پلیس ترکیه و سپاه پاسداران را دیده‌اند، برمی‌انگیزد. اقامت اجباری در شهرهای مرزی در واقع نوعی بازداشت است.

مهاجرین پس از مصاحبه مجبورند مجدداً چهار تا پنج ماه در انتظار بسر برند تا تکلیفشان روشن شود. با این حال پس از طی این مدت هم دفتر سازمان ملل آنان را به کشور دیگری منتقل نمی‌کند و بسیاری از آنان به ناچار به سرگردانی و پیریشانی کردن می‌نهند. تاکنون چندین بار دیده شده است که پس از مراجعات مکرر به متقاضی پناهندگی گفته می‌شود: "پرونده شما کم شده است!"

فشار پلیس، کلاه برداری‌های قاچاقچیان، وضعیت رفت‌وآمد مالی و عوامل گوناگون دیگر، ترکیه را چونان جهنمی برای مهاجرین ساخته است. جهنمی که تنها خوشایند سردمداران چنانیکار حکومت خمینی و ژنرال‌های ناتویی ترکیه است.

"استانبول"

استانبول لحافی کهنه که نظامیان، ماموران امنیت، قاچاقچیان و هتل‌داران مثل شیش تسخیرش کرده‌اند

استانبول شهر کالاهای تقلبی شهر ادکلن‌های قلایبی

شهر فاسدترین کاسبکاران شهری که زحمتکشانش زقوم می‌خورند

و نظامیانش انسان‌خوارند.

استانبول شهر روزنامه "تان" "گون آیدین"

دولت پلی بوی لار، آمریکن سالاتا-

روزنامه‌هایی که زنان زیبای ترکیه را به معرض فروش می‌گذارند.

استانبول شهر زیباییهای جادویی و زشتی‌های هول‌انگیز

شهری که مرشپ اتوبوسها

از مقابل کارخانه‌هایش نعلش کارگران را به خانه‌هایشان می‌برند.

استانبول شهر زیباییهای مخزون و فقر شیک شهر هتل‌های گر انقیمت

و مهمانخانه‌های ارزان قیمت

در مهمانخانه‌های ارزان قیمت خونت راسا پاشاها

می‌کنند و در هتل‌های گر انقیمت ژنرال اورن‌ها.

استانبول زنی زیبا و غمگین

که در محاصره قوادان بالیخندی، شهوانی بر لب

چشمان اشک آلودش را بادیست پوشانده است

استانبول مرغابی پر شکسته در آبهای پرتساح

شهر فراریان بی پول شهریول داران فراری

شهر مردم نکو نبخت شهر صف‌های بخت آزمایی

شهری که صف می‌کشند فرودستانش

برای خریدن بلیط‌های خوشبختی.

استانبول شهر انقلاب‌های کوچک

شکجه‌گاه انقلابیون بزرگ شهری که در کارخانه‌هایش

لخت می‌کنند

جوانترین کارورزان را

اماد در روسپی‌خانه‌هایش غارت می‌کنند حتی پیر زنان نحیف را

استانبول شهر دزدان دریایی شهر امهر اتوری سرمایه‌های مالی

شهر شیخ خوشگلداران خلیج فارس یک شیخ کویتنی در هتل مرمره

بامیلتون ارزان‌ترین متاعی که می‌خرد

زن ترک زیبایی است به قیمت یک میلیون لیر.

استانبول نهنگی آبستن و خفته

در آبهای ساکت استعماری اینک

سگ ماهی‌ها در شکاف دند انهایش لانه کرده‌اند

خوزه‌ها چشمان درخشانش را پوشانده‌اند

و گوشه‌هایش را دیگر انگلهای دریایی

اما هننگ بزودی می‌زاید

استانبول برمی‌خیزد از دردهای زایش

و از طرفانهای عاشقانه پنهان سخن می‌گوید آنگاه که عاطفه

چونان یولاد مذاب و عقل چون ترنم شبنمی

در رگهایش می‌چرخد آه استانبول

بگذر از من نیز از عشق‌هایم و از زخم‌هایم سخن بگویم

زخم‌هایی دهان گشوده در منشور سود‌های بی‌پایان

و از سرزمینم سخن بگویم که لخته لخته، در عصب‌هایم شناور است.

دریغ، آفتاب بابونه‌ها که در فلق‌های گوگردی

خاکستر شد و آن ستاره خونین

از شاخسار آینه‌ها فروغلتید

دریغ، فناتهای شبنم بر سفال تفته تابستان

ناصر نجفی

و شکفتا

آواز اندیشه‌های زرد در کسوفی مدفون

بر شانه شاد آب میهنم، آه سرزمین من

پیر آهن سرخ و پیریشانت - در خیز آبهای آبی نیلوفر

هرگز به اهتزاز در نیامد و در سینه دمان

ساقهای عربیانت پیژمده، در کبودی تازیانه‌ها

دریغ! بر دین بازاوانت

که چونان نوزادی تلخ در پرهوت ریگستانی آرمان باخته

به مرگی برآکنده آر مید، اماد رجفراقیای حماسه‌ها و غزل‌ها

جهان بی‌حضور تو مفهوم مجردی دارد

آه محبوبم بگذر از در مهتابی شبانت

از شوکران و شوکر از کبرهای کابوس‌هایم سخن بگویم

که در شقاوت خونریزمیهنم کلها، ستارگان، و آفتاب را

بر جای نهادم در استانبول تکه‌های تنم را

و در صوفیا زیباترین چشمان جهان را

اکنون بر آستان یخ‌بند آن شهری - ایستاده‌ام

بر آستان خاطر‌ها و خونچرها با انبوهی از

تلخکامی‌های غربت و نظاره می‌کنم سوسنستان تبعیدی را

با عنکبوتانی بر درگاهش.

کاش می‌توانستم به هنگامی که دیگر

در جهان تیره روزی نبود لحظه‌ای کوتاه

در باغستان چشمان صوفیا می‌غنودم

و به هنگام نبردهای دشوار آینه‌ها

بر سنگفرش خیابانها و مید انهای استانبول

می‌مردم

ابعاد فقر در برلن غربی

بیش از ۱۰ درصد جمعیت این شهر، در جریان پخش رایگان شیر و کره به عنوان فقیر شناخته شده‌اند، سنا (دولت) برلن غربی در زمستان سخت امسال از پرداخت کمک هزینه برای تامین سوخت به افراد مستحق خودداری کرد.

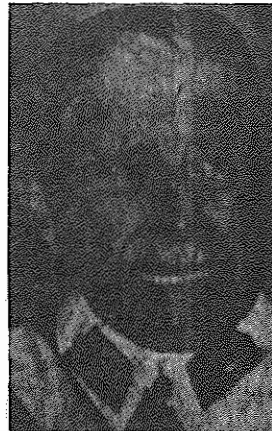
افرادى که مدت زیادی از بیکار شدن آنها می‌گذرد، در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند. در آمد آنها تنها ۲۹۳ مارک در ماه است. این مبلغ بر اساس "سبد کالاهای مورد نیاز در هفته" تعیین شده است. این "سبد" در سال ۱۹۶۱ تعریف شده و در برگیرنده حداقل مواد غذایی ضروری برای انسان است. از ۱۹۶۱ تاکنون، ارزش کالاهای این "سبد" افزایش نیافته است.

از میان دریافت کنندگان کمک هزینه اجتماعی، بسیاری نیز هستند که به علل گوناگون از دریافت همین مبلغ مختصر نیز محروم می‌گردند و مجبور به زندگی در فقر مطلق هستند.

به گزارش روزنامه وارهایت چاپ برلن غربی، اقدام اخیر مقامات این شهر دایره برپخش رایگان شیر و کره میان افراد نیازمند نشان داد ابعاد فقر در این شهر بسیار فراتر از آن است که در آمار مربوط به افراد دریافت کننده کمک هزینه اجتماعی بازتاب می‌یابد. شمار دریافت کنندگان کمک هزینه اجتماعی ۱۵۰ هزار نفر است. علاوه بر این تعداد، ۷۵ هزار تن دیگر از شهر وندان برلن غربی نیز مستحق دریافت این کمک هستند اما از مراجعه به اداره مربوطه شرم دارند. یک نماینده حزب سوسیال دمکرات در انجمن شهر برلن غربی گفت در جریان پخش رایگان مواد غذایی از محل ذخیره‌های مازاد بر مصرف بازار مشترک، بسیاری از افراد که اداره کمکهای اجتماعی آنها را نمی‌شناخت برای دریافت این کمکها مراجعه کرده‌اند.

در شرایطی که بیش از ۲۰۰ هزار تن از شهروندان برلن غربی، یعنی

یکی بی نقاب



با این دیدار خود، به رژیم پیونوشه یاری رساند. پیونوشه بی نقاب که چهره دژم و کره‌پوش مورد نفرت همه مردم شیلی است، به میهمانی نیاز داشت که با نقاب به میدان بیاید.

یکی با نقاب



هفته گذشته پاپ ژان پل دوم از شیلی ژنرال پیونوشه دیدار رسمی کرد. پاپ که در محکوم کردن جنبشهای انقلابی و رهایی بخش، به ویژه در آمریکای لاتین، حوزه نفوذ کلیسای کاتولیک، بد طولایی دارد،

شاعر خون سرا

نصرت‌الله مردانی، شاعر سال در جمهوری اسلامی شناخته شده است. این شاعر، که ردیف و قافیه قصاید متعقبات عمدتاً "خون" است، آنقدر خون‌سرای (چیزی مثل خون خوار) کرده است که حتی حال مهالکی‌هایش را بهم زده است. کیهان هوایی ۲۷ اسفند در مصاحبه‌ای با این موجود، این موضوع را این چنین بازتاب می‌دهد:

اسلام از دست رفت!

بشتابید که اسلام دارد از دست می‌رود و کار به جایی رسیده است که تلویزیون فقها مسیحیت را تبلیغ می‌کند! این هشدار مهم مقاله‌ای در نشریات جمهوری اسلامی است. روزنامه رسالت که کاشف توطئه "خاج پرستها" است، در شماره ۲۱ اسفند ۱۳۶۵ خود با حرارت خبر می‌دهد که "در کارتون بینوایان، کوزت و ژان والژان بالاخره در کلیسا مقیم می‌شوند" و وحشتناکتر این که "کوزت مشغول فرا گرفتن دروس مذهبی می‌شود و ژان به کار باغبانی در کلیسا می‌پردازد" و توطئه اینجاست که با این کارتون "القایی شود که نهایتاً این دو قهرمان داستان برای فرار از ظالمین، بهترین مامن را که همان کلیسا باشد،

یافته‌اند."

نویسنده مقاله پس از شرح این فیلم کارتونی هشدار می‌دهد: "در این که این برنامه‌ها صراحتاً کلیسا را تبلیغ می‌کند و در این که تأثیر این تبلیغات بر ذهن پاک کودکان می‌تواند بسیار منفی باشد، تردید نیست."

آری، باید این توطئه را خنثی کرد و برای مقابله با آن کارتونی ساخت که کوزت و ژان والژانش به جای پناه بردن به کلیسا، به حوزه علمیه قم پناه آورند و در پایان هر دو در جنگ با صد امیان کافر به لقا' الله بپیوندند. در غیر این صورت ممکن است توطئه "خاج پرستها" تأثیر خود را بگذارد و اسلام از دست برود.

آخوندی که گول خورد



آخوندی که روزنامه رسالت ۲۶ اسفند ۶۵ در حالت سیر و سیاحت در آستانها مجسم کرده است "محمد تقی" نام دارد و فرزند حجت الاسلام شرعی عضو شورای عالی تبلیغات قم است. این آخوند که به گفته پدرش در یک آن ۸ تانک عراقی را منهدم می‌ساخته است، بالاخره در چپه گول راهنمایی‌های غلط امدادها غیبی را می‌خورد و آنگونه که در عکس می‌بینید از میان ابرها سرد می‌آورد. او در چپه با آخوند دیگری بنام عبدالله برقه‌ای همراه بوده است. به گفته پدر محمد تقی "شب حمله اینها کم شده بودند و خیلی این طرف و آن طرف زده بودند که راه را پیدا کنند و وقت هم خیلی گذشته بود و ممکن بود که توفیق شرکت در حمله برایشان پیدا نشود. همانجا آقا عبدالله زیارت عاشورا و یا زیارت وارث می‌خواند و به سجده می‌رود و بلند می‌شود و فوراً می‌گوید آقا امام زمان می‌گویند از این طرف برویم و یک مسیری را معین می‌کند و از آن مسیر که می‌روند درست بالای سردشمن حاضر می‌شوند که البته آقا عبدالله در آن حمله شهید شدند." آقا محمد تقی هم خود به همینسان کلک می‌خورد و به هوا پرتاب می‌شود. اما قبل از این که امدادها و غیبی دام بگیرند، آخوندها و نوچه‌هایشان زمینه گول خوردن را

فراموش می‌سازند. رسالت ۲۸ اسفند برای ترویج منجزر کننده‌ترین خرافه‌ها در زمینه مرک پرستی، نمونه زیر را به دست می‌دهد: "برادر امیری گفت: رضا این اواخر حالات و رفتار عجیبی داشت، بسیار نورانی شده بود و چهره‌اش را عاله‌ای از معنویت در خود فرو برده بود، حتی خبر شهادت خود را پیشاپیش می‌داد و تقریباً همه مطمئن بودند که او شهید خواهد شد! این بنده یادم نمی‌رود که شهید رضاشهرانی چون برای رفتن به چپه با مخالفت خانواده روبرو شده بود، روزی به من گفت: فلانی تکلیف شرعی من در حال حاضر چیست؟ به چپه باید بروم و یا اینکه بماتم؟ و بنده گفتم تکلیف پیوستن به لشکر خداست. و او رفت و خون آلود بازگشت."

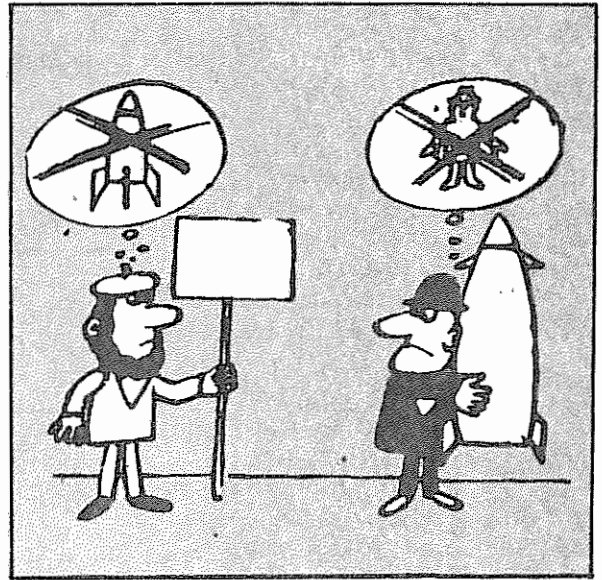
اخاذی نماینده مسیح

است. باز عیسی به خواب کشیش آمد و اتمام حجت کرد: "یا موفق می شوی تا ۲۱ مارس ۱۹۸۷، هشت میلیون دلار کمک برای اتمام کار ساختمان جمع کنی، و یا پس از انقضای این مدت، من (مسیح) تو را به پیش خود خواهم آورد."

ذکر این پیشگویی هولناک برای بیرون رابرتز، آنان را به حرکت واداشت. بالاخره در آخرین ساعات، رقم لازم فراهم شد. آخرین کمک کننده، جری کالینز صاحب دو استادیوم سک دوانی در فلوریدا بود که حجم شرط بندی های سالانه آن ۵۰ میلیون دلار است. او به کشیش رابرتز ۱/۲ میلیون دلار کمک کرد. با آنکه کلیسا همواره شرط بندی در مسابقات سک دوانی را حرام شمرده است، کشیش رابرتز این صدقه را با جان و دل پذیرا شد. هم مرد خدا به نوایی رسید و هم صاحب موسسه سک دوانی حرفه خود را از غسل تعصیب کلیسا گذراند. مسیح هم به قول خود وفا کرد و با گرد آمدن هشت میلیون دلار، کشیش رابرتز رازنده نگه داشت.

"کشیشای تلویزیونی" در آمریکا برو بیایی دارند. هر یکشنبه موعظه های آنها را در سراسر ایالات متحده میلیونها انسان به کمک ماهواره ها می بینند و می شنوند. اغلب این نمایندگان مسیح از این راه پول و پله ای به هم زده اند. نمونه "اورال رابرتز" کشیش پروتستان در این رابطه شنیدنی است.

کشیش رابرتز هر هفته برای ۱/۱ میلیون خانواده آمریکایی وعظ می کند. او رئیس دانشگاهی خصوصی است که خود تاسیس کرده و بنام خود اسم گذاری نموده است. هفت سال پیش اورال رابرتز در خواب دید مسیح که "دقیقا ۳۰۰ مقرر داشت"، به کنار رختخواب او آمده و می گوید: "باید در کنار دانشگاه، یک بیمارستان بزرگ هم بسازی". روایت این خواب در برنامه تلویزیونی همان وبسایت دربارش در کمیته نقدی مومنان همان ساختمان بیمارستان شروع شد، اما در اواخر سال ۱۹۸۶ معلوم شد که لغت و لیسهای فراوان، به کسر بودجه در امر ساختمان انجامیده



اسم برازنده

تغییر دادند. مقامات محلی رژیم هم در این دام افتادند و این نام را برای تابلویی که در میدان نصب شد، نوشتند. مدتی گذشت و اسم خمینی که به راستی برازنده این میدان بود، بر تابلوی آن باقی ماند و باعث خنده و تفریح مردم شد. اما قضیه بالاخره به گوش عوامل رژیم رسید و آنها با دستچاکی تابلوی "میدان امام خمینی" را از "میدان حیوانات" برداشتند.

در مهاباد میدانی هست که در آن، احشام خرید و فروش می شوند. این میدان از قدیم در بین مردم شهر به "میدان حیوانات" موسوم بود. پس از اشغال مهاباد توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، عوامل رژیم طبق معمول همیشگی خود به تعویض اسامی خیابانها و معابر و میدادین پرداختند. مردم خوش ذوق مهاباد پیشاپیش اسم "میدان حیوانات" را به "میدان امام خمینی"

"سال پیروزی" خمینی و صدام

انگشت، سال ۱۹۸۷ را سال پیروزی خود قلمداد کرده، به چاپ رساند. اما خمینی و صدام حسین، باید بدانند که هر سال که می گذرد این مردم ایران و عراقند که یک کام به سوی پیروزی پیش می روند.

سران رژیم قهها اعلام کرده اند سال ۱۳۶۶ نیز همچون سالهای پیش "سال پیروزی" خواهد بود. سه ماه پیش که سال میلادی ۱۹۸۷ آغاز شد، هفته نامه عربی زبان "التضامن" که از سوی عراق در لندن منتشر می شود عکس صدام حسین را که با بالابردن دو

یک گزارش داغ ورزشی

دخانیات قهرمان و برق نایب قهرمان شناخته می شوند. اما اکنون هر دو این تیم ها پایین تر از رده سوم قرار گرفته اند. در حال حاضر پرسپولیس که قهرمان شناخته شده است در نگرانی به سر می برد که عاقبت قهرمانی اش به کجا می انجامد. یاد آور می شویم که ۲ سال قبل نیز یکی از تیم های فوتبال برازجان، قهرمان جام حذفی شد، اما پس از ۲-۳ ماه جام قهرمانی را از آن تیم گرفتند و به تیم دیگر دادند!

بrazجان - خبرنگار ورزشی رسالت : "مسابقات فوتبال باشگاههای برازجان که از چندین قبل در این شهرستان آغاز گردیده بود، به پایان رسید و تیم فوتبال آزادی (پرسپولیس) در میان ناامیدی و یاس قهرمان شد و هنوز هم دریاس و ناامیدی بسر می برد که نکند قهرمانی اش را... در ابتدای شروع مسابقات این تیم از یک بازیکن روستایی در ۲ دیدار از دیدارهای برابر حریفان سود برد که پس از مدتی اعلام شد که بازیکن روستایی تیم مشمول غایب است و تیم باید ۶ امتیازش را از دست بدهد. هیات فوتبال آمد و ۲ امتیاز از این تیم کسر کرد و به تیم ایرانجوان داد تا این تیم به دسته دوم سقوط نکند. تیم های دخانیات و برق هم منتظر بودند که به هریک از آنان هم ۲ امتیاز داده شود، اما هیات فوتبال از دادن امتیاز به تیم های برق و دخانیات خودداری کرده است که اگر امتیازهای برق و دخانیات داده شود،

چه روزگاری داشتند



فرح پهلوی و ایملدا مارکوس، همسر دیکتاتور سرنگون شده فیلیپین، در روزهایی که بخت یارشان بود...

حالیکه آواره آمریکا و اروپا و مراکش است و دیگری در هاوایی از غنایمی که به همراه آورده محافظت می کند. هر کد امشان تا به حال چند بار برای بازگشت چمدانها را بسته اند، اما امیدشان نقش بر آب شده است. آب رفته دیگر به جوی بازمی گردد. دوره دیکتاتورها به سر می رسد. زباله دان تاریخ براز پهلوی ها، مارکوس ها، سوموزاها، دو الیه ها، نمیری ها، ساداتها... شده است و برتر هم خواهد شد.

خمینی هم از این سرنوشت گریزی نخواهد داشت.

نتیجه: در جمهوری اسلامی نه تنها باید تیم هایی را که از بازیکنان فراری از جنگ استفاده می کنند، پیشاپیش از بازی اوت کرد، بلکه باید به ازای تعداد کشته شدگان و معلولین و مجروحینی که در یک تیم بازی می کنند (باتوجه به این که شهیدان زنده اند، الله اکبر!) به ترتیب امتیازات مختلفی به آن تیم اسلامی داد.

دمکراسی، انتقاد و علنیت در سوسیالیسم

گزارشی از دیدار میخائیل گارباچف با مسئولان رسانه های گروهی شوروی

در شماره های گذشته "اکثريت"، خبرها و گزارشهای مربوط به پلنوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را که مسئله دمکراتیزه کردن جامعه موضوع مباحث آن بود، درج کردیم. پس از این رویداد مهم که توجه همه جهانیان را به خود معطوف کرد، میخائیل گارباچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی طی دیداری با مسئولان مهمترین رسانه های گروهی کشور، پیرامون وظایف و دستاوردهای پلنوم سخنانی ایراد کرد. از این سخنان و نیز گزارش یگوریاکوف سردبیر هفته نامه "اخبار مسکو" درباره این دیدار، بخشهایی را که به دمکراسی، انتقاد و علنیت در سوسیالیسم مربوط می شود برگزیده ایم.

یاکوف می نویسد میخائیل گارباچف در این دیدار شش ساعته عملاً با همه ۱۵ سخنران نشست، به بحث و گفتگوی مستقیم پرداخت. وی گفت: "اسناد پلنوم، برنامه کار حزب برای یک دوره زمانی چندین ساله و نیز برنامه کار مطبوعات هستند ..."

هدف اصلی پلنوم ژانویه از زاویه حل همه مسائل، گسترش دمکراسی است. هم در اقتصاد، هم در سیاست و هم در خود حزب دمکراسی باید گسترش یابد، گسترشی بر مبنای سوسیالیستی، نه به دور از سوسیالیسم، بلکه با سوسیالیسم بیشتر، نه به دور از دمکراسی، بلکه با دمکراسی بیشتر، نه به دور از اخلاق سوسیالیستی، بلکه با اخلاق سوسیالیستی.

این است جوهر نوسازی ... تبلیغ تجارب زنده کار در شرایط نوسازی هم اینکه برای ما امر بسیار مهمی است. نطفه های نو راه خود را به زحمت می گشایند و در بسیاری موارد، "علف های هرز" بی انضباطی، بی مسئولیتی و فقدان ابتکار این نطفه ها را خفه می کنند. در این میان باید به صراحت گفت رسانه های گروهی بسیار کمتر از آنچه باید از این جوانه های نو مراقبت می کنند.

ما می بینیم که نوسازی قهرمانانی دارد، قهرمانان روزگار ما. آنان را به گونه ای باید نشان داد که سرتق انسانها باشند و مردم را برای شرکت در مبارزه به خاطر تحولات انقلابی در جامعه فعال سازند. ما موظفیم از هر آنچه سوسیالیسم را تحکیم کند و بر آگاهی انسانها بیافزاید، از هر آنچه انسانها را سرکوب و کمره کند پشتیبانی کنیم و چنین خواهیم کرد. باید از جوانه های نو مراقبت کرد تا ریشه بد و مانند رشد کنند، تا درختهای چنگل تنومند شوند. خلق، محور نوسازی است. و خلق، انسان زحمتکش، باید به ایفاگر نقش اصلی در مطبوعات و تلویزیون تبدیل گردد.

تلاش حزب برای کسب تجارب پیشرفته در پیوند ارگانیک با علنیت و خصلت انتقاد قرار

دارد. همانگونه که در پلنوم ژانویه کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. گفته شد، علنیت هم شرط اجتناب ناپذیر روند دمکراتیزه کردن جامعه ما و هم تضمین مهمی برای بازگشت ناپذیری تغییرات آغاز شده است."

انتقاد جانبدار

میخائیل گارباچف افزود: "کوتاهی از انتقاد به معنی ترمز کردن حرکت به پیش و ضربه زدن به نوسازی است. نباید اجازه داد چنین شود! ... علنیت، انتقاد و انتقاد از خود - این است سیاست اصولی، این است معیار شیوه زندگی ما. این را باید همه دریابند.

مسئله دیگر این است که اظهارات انتقادی تا چه حد عمیق، تحلیلی، عادلانه و سازنده اند. در این رابطه همه چیز روال درست خود را طی نمی کند. در شرایط نوسازی و دمکراتیزه کردن همه جوانب زندگی، معیارها و خصلت انتقاد نیز تغییر می کنند. اما در یک نکته تردیدی نیست: انتقاد باید همواره جانبدار و مبتنی بر حقیقت باشد و این بسته به جانبدار بودن روزنامه نگار است. نوسازی، هم به روزنامه نگاران مربوط می شود و هم به کل مطبوعات. انتقاد یعنی مسئولیت، و هر چه سختگیرانه تر باشد، باید مسئولانه تر نیز باشد، زیرا یک مقاله نه یک خودنمایی شخصی، نه بازتاب عقده ها و آرزوهای فرد، بلکه امری اجتماعی است. مطبوعات و تلویزیون باید به کمک انتقاد این هدف را دنبال کنند که طرف مورد انتقاد بطور جدی بپایانید و کار کند، نه اینکه دست به نوشتن تکذیبنامه بزنند.

شما خاطر نشان ساختید که روند دمکراتیزه کردن، اصلاحات اساسی در مناسبات میان انتقادکنندگان و مورد انتقاد قرار گرفتن، میان کنترل کنندگان و کنترل شونده گان راه هدف قرار داده است. این مناسبات باید دوستانه شوند و بر پایه علاقه مشترک استوار گردند. در این رابطه، گفتگو مناسب تر است. هر گونه موعظه نکوهش کننده از موضع بالا و یا لحن محکم وار و یادستوردهنده به کلی غیرمجاز است. اما نژد نویسندگان بسیار با معلومات و طرف احترام نیز به چنین لحنی برمی خوریم. مطبوعات باید نظر مردم را انعکاس دهد. اندیشه و عمل کردن به گونه ای دیگر غیردمکراتیک خواهد بود. ... نوسازی، باید انسانها را متحد و بسیج کند، نه اینکه از هم جدا سازد و باعث ایجاد احساس مورد اهانت قرار گرفتن و یا فقدان اعتماد به نفس گردد. نوسازی جامعه به معنی مبارزه در راه حقیقت، شرف و اعتبار انسانها نیز هست. به ویژه نباید این یا

آن نویسنده به جای انتقاد از کسی، او را تحقیر کند. این گونه قلم زنان خود را برچمداران دمکراسی، مبارزان علیه کهنه و آنچه عرش به سر رسیده است، می دانند، اما خود آنها از برجسبهای اهانت آمیز بهره می گیرند. در زمان ماهیچ کس اجازه چنین کاری را ندارد.

کوتاه سخن، انتقاد تنها زمانی می تواند ابزار فوق العاده موثر نوسازی باشد که بر حقیقت کامل استوار گردد. با صراحت به شما می گویم: هر انتقاد غیرعینی، یکجانبه و نادرست، مغایر با امر نوسازی و تنها در خدمت مخالفان آن است."

ارزیابی از تاریخ

دبیرکل حزب کمونیست شوروی درباره چگونگی ارزیابی از تاریخ این کشور گفت: "بگذار همه چیز را در جای خود قرار دهیم، به ترتیب اهمیت، حال که هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر ما فرا می رسد نباید آثانی را که انقلاب را انجام دادند، در سایه قرار دهیم. انسانها را باید با سرتق کسانای پرورش داد که جان خود را برای انقلاب و سوسیالیسم فدا کردند."

ما باید هر سال از تاریخ هفتاد ساله شوروی را بسنجیم. حزب درباره مسائل دشوار سخن گفته است، و ما امروز قصد نداریم آن مشکلات را بزرگ کنیم. اما در اینجا نیز قانون نقض ناپذیر سوسیالیسم، یعنی حقیقت، معتبر است. رویدادهای مختلف وجود داشته است، هم شادی آور و هم تلخ.

هر چه روی داده، به هر حال ما پیش رفتیم. فاشیسم نتوانست بر ما غلبه کند. ما نه تنها با شجاعت و فداکاری، بلکه همچنین با بهترین فولاد، بهترین تانکها و بهترین سربازان، فاشیسم را نابود کردیم. و این همه را تاریخ شوروی ما به وجود آورد.

تنها سالهای پس از جنگ را بنگرید: فقر در هر کلبه، خاکستر در جایی که قبلاً شهرها قرار داشتند، محاصره اقتصادی، جنگ سرد. اما ما به زانو در نیامدیم. ما ایستادیم و تا فضای کیهان صعود کردیم.

این جنبه را هرگز نباید فراموش کنیم. نامها نباید فراموش شوند، و نباید گذاشت که بدتر از آن، کل دوره هایی از زندگی یک خلق به فراموشی و سکوت گذرانده شود. خلقی که تحت رهبری حزب برای سوسیالیسم زیست، باور داشت و کار کرد.

باید به تاریخ آنگونه که هست نگریم. همه چیز وجود داشت، از جمله اشتباه، از جمله اشتباه بزرگ، اما کشور به جلورفت. این است زندگی، این است واقعیت. این است سرنوشت یک خلق با همه تضادهایش، با دستاوردها و با اشتباهات.

حزب اشتباهات و عدم موفقیتها و خطاها را ارزیابی کرده است. اما در آن زمان، در سخت ترین دوره نیز، حزب می زیست و مبارزه می کرد. رسالت راهگشایی بر دوش ما قرار گرفت. چه دیالکتیک پیچیده ای! باید آن را دریافت، رفقا!"

گفتگو با رئیس اتحادیه دمکراتیک زنان برلین غربی

چندی پیش خانم مارگوت، رئیس "اتحادیه دمکراتیک زنان برلین غربی" - وابسته به فدراسیون جهانی دمکراتیک زنان - در گفتگویی با خبرنگار اکثریت به سئوالات وی در مورد این اتحادیه پاسخ داد. در زیر فشرده‌ای از توضیحات ایشان را درج می‌کنیم.

* * *

رئیس اتحادیه دمکراتیک زنان برلین غربی در پاسخ به سئوالات پیرامون تاریخچه این سازمان، گفت: "با الهام از کلارازتکین و کتاب آگوست ببل "زن و سوسیالیسم" و گفتگو در این مورد و مطالعات سیاسی دیگر، اندیشه پایه‌ریزی یک سازمان زنان متحد و دمکراتیک در میان آنان (زنان ضد فاشیست و دمکرات) تکوین یافت تا به کمک آن به گسترش خودآگاهی فردی در میان زنان بیاری رسانده و تجربیات تلخ شان از جنگ را در فعالیت برای صلح و حقوق

دمکراتیک بکار گیرند و اینچنین بود که در مارس سال ۱۹۴۸ اتحادیه دمکراتیک زنان (DFB) بنیان گذاشته شد."

وی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اهداف اتحادیه گفت: "حفظ صلح مهمترین خواست ما را تشکیل می‌دهد. زیرا فقط در صلح می‌توانیم آزموها و خواسته‌هایمان یعنی حق کار، تساوی حقوق، تامین اجتماعی و آینده‌ای مطمئن برای فرزندانمان را تحقق بخشیم... مسائل ویژه‌ای نیز در ارتباط با زنان وجود دارد که ما خواهان حل آن هستیم. از این قبیلند: برطرف کردن تبعیض در مورد زنان و نیز مسائلی که در حال حاضر ما را بسیار بخود مشغول داشته‌اند مانند رفع خشونت بر علیه زنان، به تحقق رساندن حق کار، امری که در قانون اساسی آمده ولی علیرغم آن ما شاهد بیکاری وسیع در میان زنان هستیم. ... ۴۰۰ نفر از ۹۵۰۰ بیکار شهر

ما را زنان تشکیل می‌دهند. و این رقم تمامی بیکاران زن را شامل نمی‌شود چرا که زنان بسیاری وجود دارند که در جستجوی کار بوده ولی بدلیل کلاشت یک سال از ازدواجشان و محرومیت از بیمه بیکاری، در آمارهای رسمی به حساب نمی‌آیند.

رئیس اتحادیه زنان برلین غربی در توضیح مشکلات وموانعی که اتحادیه با آن مواجه است به مشکلاتی که برای برگزاری ورگدهمایی‌های اتحادیه ایجاد می‌شود اشاره نمود. وی سپس درباره مشکلات سیاسی گفت: "در این قسمت همیشه دویلوک قدرت در مقابل هم قرار دارند. یکی کنسرها واتحاد دمکرات مسیحی (CDU) که نمی‌خواهند زنان آگاه در زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه نقش داشته باشند - و این مشکل بزرگی است - و بلوک دیگر، ما، که هر روز بیش از پیش شخصیت مستقل خود را تکامل می‌بخشیم. طبیعی است که

در این رابطه کشمکش و مبارزه وجود دارد. زنان ما بسیار شجاعانه ومصممانه از این مبارزه استقبال می‌کنند"، او در ادامه افزود در اینجا "همه چیز مطابق با معیارهای عالی دمکراسی بنظر می‌رسند اما این دمکراسی نمادی ظاهری است."

خانم مارگوت در همبستگی با زنان ایران اظهار داشت: "ما با دقت و نگرانی سیر تحولات کشورها و بخصوص عواقب ناشی از جنگ ایران با عراق را دنبال می‌کنیم. ما بر اساس تجربه خود واقفیم که جنگ قربانیان بسیاری طلبد و زنان بیش از همه از آن آسیب می‌بینند. ما با مادران ایرانی که فرزندان شان در جبهه بسر می‌برند و خانواده‌هایی که از بیماران صدمات فراوان جانی و روحی و مالی دیده‌اند، ابراز همبستگی می‌کنیم و برای زنان ایرانی در مبارزه برای صلح و بهبود شرایط حقوقی و اجتماعی‌شان نیروی فراوان آرزو می‌کنیم."*

هنر و ادبیات

کارباچف درباره رسالت هنر و ادبیات گفت: "جامعه همواره با حساسیت فزاینده‌ای نسبت به خللاقیات هنری و ارزش گذاری‌های اخلاقی واکنش نشان می‌دهد. هر خطا، هر گونه گزینش یکجانبه فاکت ما لس می‌شود. به عبارت دیگر هر چیز مغایر با حقیقت واکنش دردناکی را برمی‌انگیزد، به احساس اجتماعی انسان‌ها برمی‌خورد. همواره چنین خواهد بود. ادبیات جامعه را برای تغییرات آماده کرده و وجدان اجتماعی را بیدار ساخته است. برخی نویسندگان شجاعانه در راه اندیشه‌هایی رژیم‌ها اند که امروز اعتبار تصمیمات حزبی و دولتی در عرصه اقتصاد، فرهنگ و آموزش را دارند.

به نظر می‌رسد امروز که شرایط تغییر کرده است، باید شاهد اعتدالی نویسندگی باشیم. برخی موفقیت‌ها نیز به چشم می‌خورد. اما در بسیاری از موارد نویسندگان به جای گفتن سخنی نو، آن چیزی را تابه پایان می‌گویند که در گذشته نگفته‌اند.

کنگره ۲۷ توجه همه بخشهای روشنفکران را به مسئله حقیقی بودن بازناتاب هنری جلب کرد. در زمان تحولات، ما بیش از هر زمان دیگر به نگرشی عینی و همه جانبه بر واقعیت نیاز داریم. حقیقت باید کامل باشد. در این صورت است که حقیقت از خصلت سازندگی برخوردار می‌گردد."

یادداشت‌های سردبیر «اخبار مسکو»

بکوریاکولف سردبیر "اخبار مسکو" که در

در دیدار با دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت داشته است، می‌نویسد:

"می‌بایست تصمیماتی که یک سال پیش در کنگره ۲۷ ح. ک. ا. ش. اتخاذ گردید، بررسی می‌گردید. پلنوم ژانویه کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. جوهر انقلابی آنچه را که می‌گذارد، گسترش داده است. حتی تدارکات برای پلنوم نیز کار زیادی طلبید. آنکوشه که در دیدار (روزنامه‌نگاران با کارباچف-م.) ذکر شد، فراخواندن پلنوم سه بار به تعویق افتاد."

بیاکولف در یادداشت‌های خود از قول کارباچف نکاتی را ذکر می‌کند که "به گفته خود وی (کارباچف) در گذشته تنها در میان عده معدودی مطرح می‌شد: "اگر پلنوم تشکیل می‌شد و به این نتیجه می‌رسید که نوسازی فوری که آن را توجیه کنند داشته است و باید رد شود، من می‌گفتم: من نمی‌توانم به گونه‌ای دیگر کار کنم. وقت آن فرا رسیده است که به بحث درباره لزوم یا عدم لزوم نوسازی خاتمه داده شود. ما نیازی به بحث درباره خودنوسازی نداریم، بلکه باید درباره چگونگی پیشرفت آن بحث کنیم."

دمکراسی آموختنی است

در یادداشت‌های سردبیر "اخبار مسکو" آمده است: "باید دمکراسی را بیاموزیم و به آن خو بگیریم. همانگونه که در ملاقات تاکید گردید، اندیشه اصلی پلنوم ژانویه گسترش دمکراسی در اقتصاد، در سیاست و در خود حزب است. تنها

دمکراسی بیکری قادر است جامعه را از تکرار خطاهای گذشته مصون نگه دارد... کارباچف گفت: هر فرد باید نظر خود را ابراز دارد... ضرورت میرم وجود دارد که گوش فرادادن به نظر مخالف را بیاموزیم. هر بر خورد دیگری ناقض دمکراسی است."

نوسازی با چه نیرویی؟

یکی از سخنرانان، می‌گوید علوم اجتماعی عقب افتاده‌اند و امکانی برای تربیت جامعه‌شناسان نوین ظرف مدت کوتاه وجود ندارد. کارباچف مخالف این گونه طرح مسئله است و می‌گوید: "ما باید نوسازی را با اتکا به خلق خود، با اتکا به حزب خود، روشنفکران خود و دانشمندان خود انجام دهیم، با همان مردمی که داریم. هر گونه برخورد دیگر، آوانتوریستی است."

سخنران می‌گوید باید دقت در کار را با دستی آهنین افزایش داد. کارباچف مخالفت می‌ورزد و می‌گوید: نه با دستی آهنین، با دستی هوشمند.

بیاکولف: "نوسازی از همه کس کار می‌طلبد، به منافع، یا به عبارت دقیق‌تر، به عادات همه ما بر می‌خورد. اما همه ما به جوهر انقلابی آنچه می‌گذرد، باور داریم. این بدان معناست که ما همچنین باید به یاد داشته باشیم که انقلابی‌ها بنام منافع بنیادین مردم انجام می‌گیرند. آیا این اندیشه ماکسیم گورکی درباره این دیالکتیک علاش و منافع صائب نیست: "ولادیمیر لنین کسی بود که مانع آن می‌گردید که انسانها بگونه‌ای به زندگی ادامه دهند که تا پیش از آن زندگی می‌کردند. هیچ کس به اندازه لنین در این کار موفق نبود."*

مصادره اموال کلیسای ارتدکس در یونان

پارلمان یونان پس از بحث طولانی، قانون دولتی کردن اراضی متعلق به کلیسا را تصویب کرد. در آستانه رای گیری، نمایندگان وابسته به حزب "دمکراسی سونین" که یک حزب محافظه کار دست راستی است، نشست پارلمان را ترک کردند. این حزب اعلام کرده است در صورت به قدرت رسیدن، قانون مصوب پارلمان را لغو خواهد کرد.

قانون مصوب پارلمان یونان با آرای نمایندگان حزب حاکم سوسیالیست و حزب کمونیست یونان به تصویب رسید. از هفت ماه پیش کلیسای ارتدکس یونان پیروان خود را علیه این قانون بسیج کرده بود.

آندریاس پایاندرو نخست وزیر یونان اعلام کرده است زمینهای مصادره شده کلیسایان دهقانان فقیر تقسیم خواهد شد. قانون مصادره اراضی کلیسا حقر می دارد ۱۲۰ هزار هکتار زمین که اغلب بایر مانده و متعلق به صومعه های متروکه بوده است، میان تعاونی های کشاورزی تقسیم گردد. ۲۰ هزار هکتار دیگر زمین ساخته شده که عمدتاً در مناطق شهری است، همچنان متعلق به کلیسا باقی خواهد ماند، اما توسط شوراهایی اداره خواهد شد که در آن افراد غیر وابسته به کلیسا اکثریت خواهند داشت.

با تصویب قانون مصادره بخشی از اموال کلیسای ارتدکس، تلاشهای روحانیت یونان برای عدم تصویب این لایحه به شکست انجامید. کلیسا با استفاده از همه وسایل، از جمله تکفیر دولت، کوشیده بود با این لایحه مقابله کند. حزب ارتجاعی "دمکراسی سونین" نیز در این مبارزه متحد کلیسا بود و اعلام کرد: "حتی محمد سلطان عثمانی نیز پس از فتح یونان اینچنین به کلیسایورش نبرد".

در قانون مصوب پارلمان یونان آمده است از آنجا که بخش بزرگی از اموال کلیسا به علت موارد غیر قانونی معاملات و خرید و فروش به هدر رفته و مابقی با بایر و یا تحت استفاده غیر اقتصادی است، برای حفظ اموال ملی و کمک به کشاورزی، جنگلداری و دامپروری کشور اراضی مزبور در اختیار دولت قرار می گیرد.

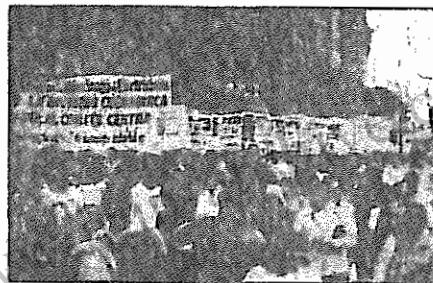
● اطلاعات ۲۶ اسفند ۵۹ - واحد درمانی خصوصی در سطح استان تهران توسط اداره بهداشت استان تعطیل شدند. بنابه اطلاعیه اداره بهداشت استان تهران، واحدهای تعطیل شده شامل ۴ درمانگاه، ۲ موسسه رادیولوژی، ۶ مطب پزشکی، ۲ واحد تزریقات و ۴۵ مطب دندانسازی و کمک دندانپزشکی تجربی بوده اند.

● براساس نتایج آماری "خدمات آموزشگاههای زبان، ماشین نویسی و رانندگی" در سال ۶۴ که از سوی اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی منتشر شده است، تنها ۲۹۲ باب آموزشگاه رانندگی در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۶۴ معادل ۲ میلیارد و ۴۶۵ میلیون ریال سود ناخالص داشته اند. سود ناخالص آموزشگاههای زبان و آموزشگاههای ماشین نویسی نیز در مدت زمان یاد شده بالغ بر ۶۲۶ میلیون ریال بوده است.

تشکیل حزب متحد چپ در مکزیک

ویک نفر تنها برای یک دوره می تواند انتخاب شود. رئیس جمهور در تعیین جانشین خود نقش تعیین کننده دارد. ناظران اختلافات کنونی در حزب حاکم مکزیک را شدیدترین بحران این حزب از ده سال پیش تاکنون می دانند.

حزب حاکم مکزیک در سال ۱۹۲۹ با عنوان "حزب ملی انقلابی" تاسیس شد و در سال ۱۹۴۶ به عنوان کنونی تغییر نام داد. روسای جمهور مکزیک از بدو تاسیس این حزب همگی از اعضای آن بوده اند. حزب مزبور در هر دو مجلس پارلمان اکثریت مطلق را دارد. "حزب انقلاب نهادی شده" از منافع بورژوازی بزرگ، بورژوازی صنعتی و تجاری و نیز بورژوازی متوسط دفاع می کند و علاوه بر این، در بخشهای بزرگی از روشنفکران خرده بورژوازی و از طریق سندیکاها و سازمانهای دهقانی در میان کارگران و دهقانان نفوذ دارد. در این حزب دو جریان عمده وجود دارند که هر یک گروه بندیهای اصلی بورژوازی مکزیک را نمایندگی می کنند. یک جناح رفرمیست و جناح دیگر محافظه کار است.



تحولات سیاسی جاری در مکزیک بر بستر تشدید جنبش مردمی علیه تحمیلات صندوق بین المللی پول و بحران بدهی های کلان مکزیک به بانکهای امپریالیستی صورت می پذیرد. عکس، صحنه ای از تظاهرات ۵۰ هزار نفره ماه اکتبر گذشته را نشان می دهد که از سوی نیروهای چپ برگزار شد و شرکت کنندگان در آن خواستار قطع پرداختنهای مکزیک به بانکهای غربی گردیدند.

انداختن صنایع نظامی، به مسئولین تذکر داد و گفت: انجام این کار هم میزان هزینه ملی داشته باشد باید آن را "اداره" کرد.

منتظری با توجه به اختلافات سپاه و ارتش متذکر شد: "باید چنان مدیریتی اعمال شود که فرمول سلاحهای ارتش را سپاه بداند و سپاه را ارتش. و این نیروها نباید به منظور انحصار اطلاعات نظامی با هم رقابت کنند و اختلاف داشته باشند".

از میان دیگر رویدادها

● روز جمعه ۱۴ فروردین در رسانه های خبری گفته شد که یک سرگرد نیروی هوایی توسط یک هلی کوپتر نظامی به ترکیه گریخته و از این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی کرده است. همراه با این سرگرد، ۵ تن دیگر نیز توسط همین هلی کوپتر وارد ترکیه شده اند. از عودت این افراد و هلی کوپتر آژانس هنوز خبری منعکس نشده است.

طی یک گردمایی در مکزیک، در روز یکشنبه ۲۹ مارس حزب سوسیالیست متحد مکزیک و چهار حزب چپ دیگر موافقتنامه ای درباره وحدت و تشکیل "حزب سوسیالیست مکزیک" امضا کردند. حزب انقلابی چپ نوین قرار است در ماه اکتبر کنگره موسس خود را برگزار کند.

رهبری روند وحدت تا هنگام برگزاری کنگره برعهده یک کمیته هماهنگی متشکل از نمایندگان ۵ حزب خواهد بود. احزابی که وحدت آنها به تشکیل حزب توده ای چپ در مکزیک می انجامد عبارتند از: حزب سوسیالیست متحد مکزیک، حزب زحمتکشان مکزیک، جبهه انقلابی میهنی، جنبش انقلابی خلق و اتحاد کمونیستهای چپ.

در روز شنبه ۲۸ مارس، حدود ۵۰۰ نماینده سومین کنگره حزب سوسیالیست متحد مکزیک به اتفاق آرا وحدت با چهار حزب چپ دیگر و تشکیل حزب جدید را مورد تأیید قرار دادند. پابلو گومز که بار دیگر به سمت دبیر کل حزب سوسیالیست متحد برگزیده شد، این تصمیم را "مهمترین تصمیم از هنگام تاسیس حزب در سال ۱۹۸۱ خواند. وی گفت حزب توده ای جدید باید مدافع پیگیر منافع همه زحمتکشان مکزیک، کارگران، دهقانان، کارمندان، روشنفکران، زنان و جوانان باشد.

وحدت احزاب چپ در مکزیک در شرایطی صورت می گیرد که این کشور در تدارک برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. مطلوبات مکزیک می نویسند "نیروهای چپ در مکزیک در تهاجمند". تقریباً کل طیف نیروهای چپ مکزیک در حزب جدید گرد آمده است تا "پیکار در راه عدالت اجتماعی در این کشور را پیش برد".

از سوی دیگر "حزب انقلاب نهادی شده" که از ۵۸ سال پیش تاکنون بلاوقف حزب حاکم مکزیک بوده است، دچار بحران است. در این حزب اختلافات شدیدی بر سر تعیین نامزد حزب برای ریاست جمهوری در گرفته است. کاندید جدید باید جانشین میکول دلامادرید رئیس جمهور فعلی گردد. در مکزیک دوره ریاست جمهوری ۶ سال است

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

منتظری:

موشک و جنگنده های مدرن بخرید

به گزارش واحد مرکزی خبر، روز جمعه ۱۴ فروردین، پاسداران نمونه فرمائهان آژانس، جمعی از خانواده های کشته شدگان جنگ و شماری از پرسنل یگانهای بازمانده از لشکرها و تیپ های شرکت کننده ارتش در عملیات کربلای ۵، در قم با منتظری دیدار کردند.

در این دیدار منتظری با استناد به آیات، از مسئولین خواست تا آنجایی که می توانند نیرو بسیج کنند و آژانس را به "هواپیماهای مدرن جنگی، موشک و امثالهم مجهز سازند". منتظری تأکید کرد که تسلیح به سلاحهای مدرن ضروری است. وی در مورد به راه

تا بيم

پويين دکستر

عليه ريگان شهادت خواهد داد

به گزارش مجله آمريکايي تايم، جان پويين دکستر مشاور امنيتي برکنار شده ريگان رئيس جمهور آمريکا در صدد است طی بازجويي در کنگره عليه ريگان شهادت دهد. پويين دکستر ميگويد سال گذشته حداقل دو بار ريگان را در جريان کليات کمک به ضد انقلابيون نيکاراگوئه از محل عوايد فروش اسلحه به ايران قرار داده است. ريگان منکر هرگونه اطلاع از اين اقدام غيرقانوني شده است.

تايم مي نويسد پويين دکستر از اينکه در ماجرای "ايران کيت" همه تقصيرها را به گردن او انداخته اند خشمگين است و ميخواهد به همين علت عليه ريگان شهادت دهد. کنگره آمريکا از ماه ژوئن سال جاري به پويين دکستر مصونيت کيفري اعطا کرده است تا وی به اداي شهادت بپردازد. مک فارلين مشاور امنيتي اسبق ريگان نيز اعلام کرده است که در برابر اتهامات کاخ سفيد به تشریح کامل فضايای "ايران کيت" خواهد پرداخت.



ميهن پرستان السالوادور در حمله به يک پادگان در شمال غربي سان سالوادور پایتخت اين کشور ۶۰ تن از نيروهاي دولتي را از پاي درآوردند. عکس، بخشی از اين پادگان را پس از حمله انقلابيون نشان مي دهد. يک مستشار نظامي آمريکايي در جريان اين حمله کشته شد.

سفر تاجر به مسکو

اميدواری کرد چنين قراردادی تا پايان سال ۱۹۸۷ به امضارسد. سخنگوی وزارت خارجه شوروی اظهار داشت کشورش اميدوار است مذاکرات اتحاد شوروی و بریتانیا تا کيفی پي بر روند خلع سلاح بگذارد. وی خاطر نشان ساخت میان تلاش شوروی برای تحقق جهاني عاری از سلاحهای اتمی و این موضع بریتانیا که سلاحهای اتمی برای دفاع ضروری هستند، تضاد وجود دارد.

مارگارت تاجر نخست وزیر بریتانیا هفته گذشته در جريان دیدار خود از مسکو مذاکراتی با رهبران اتحاد شوروی انجام داد. در این سفر چهار قرارداد در باره همکاریهای علمی برای پژوهش در فضا، برقراری یک خط ارتباط اضطراری میان مسکو و لندن، استقرار نمایندگیهای دیپلماتیک دو کشور در مسکو و لندن در ساختمانهای جدید و نيز در رابطه با مبادلات فرهنگی و آموزشی به امضارسيده. همچنين يک موافقت نامه تجاری به حجم ۵۲ ميليون پوند منعقدگردید و يادداشتی مبادله شد که معاملات ديگری به حجم ۲۵۰ ميليون پوند پيش بينی می کند.

ميخائيل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنانی در جريان دیدار رسمی تاجر، از کشورهای عضو ناتو به علت مخالفت و بهانه ترشی آنها عليه "راه حل صفر" که خود پیشنهاد کرده بودند، انتقاد کرد.

تاجر در یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو گفت مسئله کاهش موشکهای برد کوتاه ممکن است انعقاد قرارداد میان اتحاد شوروی و آمريکا پيرامون موشکهای میان برد را به تعویق افکند، اما اظهار

صادرات اسلحه غرب به آفریقای جنوبی

روزنامه واشنگتن پست مي نويسد آفريقای جنوبی غيرغم تصميم سازمان ملل متحد دایر بر تحریم صدور اسلحه به این کشور، همچنان سلاح از اسرائيل، آلمان فدرال، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و سوئیس دریافت می دارد. دولت اسرائيل رسماً در تحویل سلاح به آفريقای جنوبی شرکت دارد.

الیور تامبو رئیس کنگره ملی آفریقا که به دعوت دولت استرالیا از این کشور دیداری به عمل آورد، در یک گردهمایی در سیدنی خواهان برقراری مجازات های همه جانبه و الزام آور عليه رژیم آپارتاید شد. تامبو تاکید کرد دولت استرالیا نيز باید به این تحریم بپیوندد. وی گفت اعمال تحریم های محدود، اما موثر نيز می تواند رژیم آپارتاید را به لرزه درآورد.

"روز زمین" در فلسطین اشغالی

هزارهكتار از زمینهای متعلق به فلسطینی ها را صادر کردند. واکنش ساکنان مناطق اشغالی، یک اعتصاب سراسری بود. در تاریخ سی ام مارس ۱۹۷۶ پلیس و ارتش اسرائيل در حمله به اعتصابيون شش تن را کشته و صد هاتن را مجروح کردند. اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائيل اعلام کرد این کشور در صدد است برای حفظ "اسرائیل بزرگ" مناطق اشغالی شامل کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و بلندیهای جولان را برای همیشه در تصرف خود نگه دارد.

دوشنبه گذشته طبق رسم همه ساله "يوم الارض" (روز زمین) از سوی ساکنان عرب مناطق تحت اشغال اسرائيل برگزار شد. به مناسبت این روز، تظاهرات، اعتصابات و اقدامات اعتراضی دیگری صورت گرفت. در شرق بیت المقدس، رام الله و نابلس و نيز سایر شهرهای مناطق اشغالی مغازه ها و ديگر موسسات عمومی تعطیل بودند.

بیش از ۲ هزار زندانی سیاسی فلسطینی در زندانهای اسرائيل از روز بیست و پنجم ماه مارس برای اعتراض به تشدید فشار بر زندانیان از هنگام برگراری یک ژنرال بازنشسته اسرائیلی به سمت رئیس سازمان زندانها، دست به اعتصاب غذا زده اند.

نیروهای اسرائیلی که طی روزهای پيش از آن تقویت شده بودند، با گاز اشک آور عليه تظاهرات مردم وارد عمل شدند و تعداد زیادی از آنها، از جمله شماری کوزک را دستگیر کردند. در یک اردوگاه فلسطینی در حومه نابلس مقررات منع عبور و مرور برقرار شد.

روز زمین به اقدامات دولت اسرائيل در سال ۱۹۷۶ به منظور غصب اراضي مردم مناطق اشغالی و مقاومت مردم در برابر این تجاوزات بازمی گردد. يازده سال پيش مقامات اسرائیلی دستور مصادره ۲

اخبار کوتاه

● یک هواپیمای مسافربری افغانستان از خاک پاکستان هدف موشک قرار گرفت و سرتگون شد. ۴۰ سرنشین هواپیما در این حادثه کشته شدند. وزارت خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، دولت پاکستان را مسئول این جنایت دانست.

● طی دو سال گذشته در نيکاراگوئه بیش از ۸۰۰ ضد انقلابی خود را تسلیم ارتش ساندنیستی خلق کرده اند. مقامات دولت نيکاراگوئه ضمن اعلام این خبر، آن را نشانه روحیه ضعیف ضد انقلاب و نتیجه شکست های نظامی آن دانستند.

● حزب کمونیست پرتغال در اعلامیه ای پیرامون بحران کابینه در این کشور، خواهان تشکیل دولتی با شرکت کمونیستها بعنوان تنها راه حل دمکراتیک غلبه بر بحران گردید.

اعتصاب کارگران در ترکیه

ترکیه شاهد مهم‌ترین اعتصاب از هنگام کودتای نظامی ۱۹۸۰ تاکنون است. از اواسط ماه مارس، حدود چهار هزار تن از کارگران صنایع نفت دست به اعتصاب زدند. هفته گذشته ۵ هزار تن دیگر از کارگران نفت به اعتصاب پیوستند.

دعوت به اعتصاب از جانب سندیکای مجاز "پترول-ایس" که عضو تنها اتحادیه قانونی سندیکایی ترکیه موسوم به "تورک ایس" است، صورت گرفت. یک سخنگوی کارگران گفت اعتصاب تا زمانی که خواست کارگران دایر بر افزایش دستمزد برای جبران افزایش قیمت‌ها تحقق نیابد، ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران صنعت نفت در ترکیه از این رو حائز اهمیت است که به رهبری تنها اتحادیه کارگری مجاز این کشور انجام می‌پذیرد. رهبران این اتحادیه تا پیش از این اعتصاب دست به هیچ‌گونه اقدامی علیه سیاست‌های دولت نرزه بودند و در برابر سیاست اوزال دایر بر نازل نگه داشتن سطح دستمزدها مقاومت نمی‌کردند. آغاز اعتصاب نشانه آن است که فشار اعضای سندیکای کارگری باعث شده است رهبران این اتحادیه به خواست آنها در مورد اقدام علیه سیاست‌های دولت گردن نهند.

نرخ تورم در ترکیه ۴۰ درصد است، اما سطح دستمزدها عملاً ثابت مانده است. ویدین ترتیب کارگران متحمل کاهش شدید قدرت خرید خود شده‌اند. پیش از اعتصاب، رهبری اتحادیه "تورک ایس" کوشید از طریق طرح خواست سندیکاها نزد رهبران نمایندگان پارلمان، بزدولت فشار وارد آورد. اما سندیکایی که در حدود ۱۰۰ هزار عضو سندیکایی که از سایر ترکیه بودیکارا آمده بودند، قصد راهپیمایی بی‌سوی پارلمان را داشتند تا طوماری به رئیس مجلس تسلیم کنند، پلیس آنها را متورند. حمله فرار داد و ستع راهپیمایی شد. در طولان راهپیماییان دکرکراسی علیه ایجتماعی و لغو اجزودیت‌های فعالیت سیاسی و سندیکایی به عنوان خواستهای کارگران ذکر شده بود.

اخیرا در نتیجه مبارزات جنبش کارگری در ترکیه، امکاناتی برای تحمیل شرایط فعالیت نسبتا آزاد سندیکایی به رژیم این کشور فراهم شده است. در اواسط ماه فوریه برای نخستین بار یک گروه‌مبایی بین‌المللی برای همبستگی با فعالین سندیکایی تحت پیگرد، در استانبول صورت گرفت. میزبان این گروه‌مبایی، "حزب مردم ترکیه" بود که یکی از سه حزب اپوزیسیون قانونی است. در این نشست فعالین سندیکایی ترک و نیز نمایندگان مجامع بین‌المللی نظیر "اتحادیه بین‌المللی سندیکاهای آزاد"، اتحادیه سندیکایی اروپا" و "اتحادیه جهانی کارگران" خواهان احیای کامل حقوق سندیکایی و پایان دادن به سرکوب فعالین سندیکایی شدند. اجلاس استانبول به مناسبت بیستین سالگرد تاسیس اتحادیه کارگران "دیسک" تشکیل شد.

در این گروه‌مبایی جان واندروکن دبیرکل "اتحادیه بین‌المللی سندیکاهای آزاد" حعیار برقراری دکرکراسی در ترکیه را به رسمیت شناختن حقوق سندیکایی دانست. وی گفت در ترکیه همچنان حقوق اولیه بشر نقض می‌گردد. واندروکن صدور ۲۶۴ حکم زندان علیه فعالین اتحادیه سندیکایی انقلابی دیسک در پایان سال ۱۹۸۶ را محکوم کرد. دن محاکمه دیسک برخی متهمان به ۱۵ سال زندان محکوم شدند.

دبیرکل "اتحادیه سندیکایی اروپا" در اجلاس استانبول خواهان لغو احکام دادگاه علیه فعالین دیسک و قانونی شدن دوباره این اتحادیه شد. متهمان عضو دیسک از آنجا که علیه احکام صادره تقاضای فرجام کرده‌اند، به قید ضمانت از زندان آزاد شده‌اند. عبدالله باستورک رهبر دیسک در گروه‌مبایی استانبول خاطر نشان ساخت اصول مورد پذیرش سازمان بین‌المللی کار در ترکیه نقض می‌شود. وی با اشاره به ادعای رژیم ترکیه مبنی بر برقراری دکرکراسی گفت: "این چگونه دکرکراسی است که به سندیکاهای اجازه ارتباط با احزاب سیاسی رانمی‌دهد؟"

اتحادیه کارگری "تورک ایس" که رهبری اعتصاب جاری را بر عهده دارد، تهدید کرد در صورت عدم آمادگی دولت برای مذاکره جدی، سندیکاهای ابراز همبستگی کرده‌اند. اعتصابات را گسترش خواهد داد.

"برادر پاپ، دیکتاتور را با خود ببر"

تظاهرات ضد پهنوشه در جریان دیدار پاپ از شبلی



یک کشته، ۶۰ مجروح و ۱۵۰ زندانی بی‌جان یورش پلیس رژیم پهنوشه در دومین روز دیدار پاپ از شبلی بود. بعد از ظهر پنجشنبه در حدود ۱۰۰ هزار تن که در استادیوم سانتیاگو گرد آمده بودند، در حضور پاپ علیه رژیم پهنوشه دست به تظاهرات زدند. این استادیوم، همان استادیومی بود که در سال ۱۹۷۲ پس از کودتای جنایتکارانه پهنوشه میهن پرستان در آن به اسارت نگه داشته شده بودند و بسیاری از آنان به دست دژخیمان پهنوشه به قتل رسیدند.

حاضران در استادیوم بلاوقفه شعار می‌دادند: "پهنوشه قاتل است!" و "خلق متحد هرگز شکست نخواهد خورد".

تظاهرات در جریان دیدار پاپ هنگامی به خون کشیده شد که حدود ۲۰۰ تن از افراد بی‌خانمان محلات فقیرنشین اطراف سانتیاگو با پلیس درگیر شدند. یک مرد جوان به ضرب کلوله پلیس به قتل رسید.

پاپ طی دیدار از شبلی با پهنوشه دیکتاتور شبلی ملاقات و گفتگو کرد. دیدار این دو در کاخ ریاست

"پهنوشه قاتل است" شعاری بود که بر فراز دستان حاضران در استادیوم سانتیاگو در حضور پاپ به اهتزاز درآمد.

جمهوری "موندرا" صورت گرفت که در سال ۱۹۷۲ در آن به دستور پهنوشه سالوادور آلنده رئیس جمهور قانونی شبلی به قتل رسید. مردم در تظاهرات سانتیاگو شعار می‌دادند: "برادر پاپ، دیکتاتور را با خود ببر!"

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (و یا معادل آن کوپن بین‌المللی پستی)

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	<input type="checkbox"/> يك ساله	
" ۲۴	" ۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
" ۵۸	" ۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
" ۱۱۵	" ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 151 MONDAY APR 6.87 Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p>	<p>حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>
---	---